

چارچوب «توسعه‌ی فضایی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران»* موردپژوهی: استان‌های ۳۰گانه

محمدحسین شریف‌زادگان^۱، سحر ندایی طوسی^۲

^۱ دانشیار گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.

^۲ استادیار گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۵/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۷/۷)

چکیده

رقابت‌پذیری منطقه‌ای، انگاشتی که تا سال‌ها تنها در سطح واحدهای فعالیتی (بنگاه‌ها) و نیز کشورها دارای معنا بود، از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی و هم‌زمان با افزایش اهمیت مکان ناشی از تحرک نیروی انسانی و سرمایه در عصر جهانی شدن، از ترجمان فضایی برخوردار شده و وارد گفتمان علوم منطقه‌ای و برنامه‌ریزی توسعه‌ی فضایی شد. کاستی رهیافت‌های رایج تک‌سویه‌نگر و تعمیم‌گر در پاسخ‌گویی به دو پرسش «چیستی رقابت‌پذیری منطقه‌ای» و نیز «چرایی رقابت‌پذیری بیشتریک منطقه نسبت به منطقه‌ی دیگر»، دستورکار پژوهش پیش‌رو را به تدوین چارچوب یکپارچه‌ی «توسعه‌ی فضایی رقابت‌پذیری منطقه‌ای خاص ایران» معطوف ساخته است. از این‌رو با هدف دربرگیرندگی ابعاد و مولفه‌های مختلف اثرگذار بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای، پس از شناسایی پیش‌ران‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای از دیدگاه‌های مختلف به شیوه‌ی مطالعه‌ی اسنادی، در نهایت به شیوه‌ی استقرایی و با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، مدل نظری یکپارچه‌ی رقابت‌پذیری برانزنده‌ی مناطق استانی ایران به دست می‌آید. مدل برازش‌شده نشان‌گر آن است که فعالیت‌های دانشی-فرهنگی از طریق میل به خوشه‌ای شدن موثرترین پیش‌ران در دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران به شمار می‌رود. در تعریف رقابت‌پذیری منطقه‌ای مستخرج از پژوهش، هم به مولفه‌ی واحدهای فعالیتی، هم به مولفه‌ی افراد (ساکنان، کارآفرینان و گردش‌گران) و هم به مولفه‌ی فضا توجه شده است. این تعریف متفاوت است با تعریف پورتر، که تنها رقابت‌پذیری را در گرو افزایش بهره‌وری واحدهای فعالیتی و بنگاه‌ها دانسته است.

واژه‌های کلیدی

رقابت‌پذیری منطقه‌ای، توسعه‌ی خوشه‌ای، فعالیت‌های دانشی-فرهنگی، استان‌های ۳۰گانه ایران.

*این مقاله مستخرج از رساله دکتری نگارنده دوم به راهنمایی نگارنده اول است که در تاریخ ۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۳ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهیدبهشتی مورد داوری قرار گرفته و به تصویب رسیده است.

**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۳۹۷۲۹۱۸، نمایر: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۶۳۰، E-mail: s.n.tousi@gmail.com

مقدمه

مناسب برای واحدهای فعالیتی، با این باور که رقابت پذیری علاوه بر راهبردهای درونی بنگاه، بیشتر متاثر از محیط بیرونی بنگاه‌ها یا از محیط محلی^۴ (ناحیه‌ی صنعتی، یک شهر یا منطقه) است؛ زمینه دیگری نقش منطقه به عنوان بستر «بازیگران جمعی» (Ca- magni & Capello, 2013, 1383-1402) و عامل تسهیل «یادگیری جمعی» (Camagni, 2002) و نقشی که در فرآیندهای انباشت دانش و توسعه‌ی مدل‌های هم‌کاری^۵ و تصمیم‌های نوآورانه‌ی شرکت‌های محلی ایفا می‌کند بازمی‌گردد (Capello, 1999, 353-365).

پورتر (Porter, 1990, 73) برای نخستین بار در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی نظریه‌ی مزایای رقابتی را، که تا پیش از آن تنها در سطح اقتصاد خرد (واحد بنگاه‌ها) مطرح بود، در سطح مکان (مقیاس کشور و بعدها سایر مقیاس‌های جغرافیایی) مطرح کرد و باعث جلب توجه مجدد تصمیم‌سازان توسعه‌ی منطقه‌ای و جغرافی دانان اقتصادی به موضوع مکان، که پیشتر در جریان جهانی‌سازی به ورطه‌ی فراموشی سپرده شده بود، گشت؛ با این باور که «با وجود این‌که در ایجاد رقابت پذیری آنچه که درون بنگاه‌ها اتفاق می‌افتد حائز اهمیت است، لیکن محیط‌های کسب و کار بیرونی نیز به همان اندازه ایفاگر نقش هستند» (Porter, 1998 b). طرح این دیدگاه نظری، که به ویژه مورد اقبال سیاست‌گذاران توسعه‌ی منطقه‌ای قرار گرفت و به عنوان یک هدف کلان سیاست‌گذاری توسط کمیسیون اروپایی و دولت‌های ملی سراسر اروپا و آمریکای شمالی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه پذیرفته شد (Bristow, 2005, 285-304)، سبب تغییر جهت سیاست‌های جدید اقتصادی به جای تمرکز بر بخش‌های اقتصادی و شرکت‌های بزرگ، به سوی عوامل ایجادکننده‌ی مزایای رقابتی شرکت‌ها، یعنی مکان، شد (Lengyel, 2009, 20).

گرچه برخی از صاحب‌نظران عرصه‌های اقتصادی، از جمله پاول کروگمن، بحث در مورد رقابت پذیری واقعی مکان را- البته بیشتر در سطح کشورها و نه مناطق- ناممکن می‌دانند، لیکن از دهه‌ی ۱۹۹۰ تاکنون، همواره دو پرسش اصلی «چیستی رقابت پذیری منطقه‌ای» و نیز «چرایی رقابت پذیری بیشتر یک منطقه نسبت به منطقه‌ی دیگر» در راستای پیشنهاد راهکارهای دستیابی به آن مورد توجه جوامع آکادمیک و سیاست‌گذاری قرار داشته است. در این رابطه کاستی رهیافت‌های رایج تک‌سویه‌نگر و تعمیم‌گر در پاسخ‌گویی به دو پرسش مطرح شده، دستورکار پژوهش پیش‌رو را به تدوین چارچوب «توسعه‌ی فضایی رقابت پذیری منطقه‌ای خاص ایران» معطوف ساخته است. از این‌رو با هدف دربرگیرندگی ابعاد و مولفه‌های مختلف اثرگذار بر رقابت پذیری منطقه‌ای، پس از شناسایی پیش‌ران‌های رقابت پذیری منطقه‌ای از دیدگاه‌های مختلف به شیوه‌ی مطالعه‌ی اسنادی، در نهایت به شیوه‌ای استقرایی و با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، مدل نظری یکپارچه‌ی رقابت پذیری برانزده‌ی مناطق استانی ایران معرفی خواهد شد.

پس از جهانی‌سازی و پیشرفت‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دو مکتب فکری متضاد در رابطه با نقش مکان و جغرافیا پدید آمد؛ مکتب فکری نخست منجر به «مرگ جغرافیا و مکان» و پیشرفت‌های سایبری^۶، با اعتقاد به بی‌معنا شدن «مکان» و هم‌جواری کالبدی در اقتصاد جهانی ناشی از ظهور هم‌جواری‌های مجازی شد. لیکن برخلاف پیش‌بینی‌های صورت پذیرفته‌ی پس از دهه‌ی ۱۹۸۰، از دیدگاه بسیاری مانند پورتر (Porter, 1998 b, 90) و نومنطقه‌گرایان، جهانی‌سازی و تغییرات فناورانه، بیشتر سبب ساز ارتقای جایگاه مکان در سازمان‌دهی چرخه‌های اقتصادی شد. باور این گروه به کاستی دکتترین مرگ جغرافیا منجر به شکل‌گیری مکتب فکری دیگری تحت عنوان «ظهور مجدد جغرافیا و منطقه» با این خردمایه شد که کیفیت میان‌کنش «چهره به چهره» نسبت به میان‌کنش‌های مجازی، به ویژه در مورد میان‌کنش‌های پیچیده و مبهم فعالیت‌های دانش‌بنیان (Morgan, 2001)، متفاوت بوده و نادیده گرفتن نقش «اعتماد» ناشی از دیدارهای چهره به چهره در روابط اقتصادی ناممکن خواهد بود.

علاوه بر توجیهات ارائه شده در مکتب فکری دوم، آزادی انسان و سرمایه از قید مکان از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی، به ویژه پس از یکپارچگی اقتصادهای ملی در قالب بلوک‌های تجاری مانند اتحادیه اروپا، اهمیت عوامل مکانی در رشد اقتصادی را بیش از پیش افزایش داد. از سوی دیگر، طرح انگاشت مزیت رقابتی (در توجیه موفقیت‌های اقتصادی یک باره منطقه‌های بی‌بهره از مواهب طبیعی مانند سیلیکون ولی) با تاکید بر ویژگی‌های قاطع یک واحد (Kitson, Martin & Tyler, 2004, 991)، در تکمیل کاستی‌های الگوواره «مزیت نسبی» (ریکار دو و فرمول دهی مجدد آن توسط هکشر و اوهلین^۲) در ادبیات توسعه نیز باعث جلب توجه بسیاری از اقتصاددانان و صاحب‌نظران عرصه‌ی کسب و کار، به سمت مسایل مربوط به مکان شد. از دیدگاه افرادی هم چون آشم، کوک و مارتین (Asheim, Cooke & Martin, 2006, 1-30)، مزایای رقابتی در اقتصاد جهانی شدیداً محلی است و از تمرکز نیروی کار متخصص، دانش، نهادها، رقبا و کسب و کارهای مرتبط و استفاده‌کنندگان پیشرفته ناشی می‌شود. لیکن بسیاری از جمله کامانی (Camagni, 2002, 2395-2411) و کروگمن (Krugman, 1994, 28-44)، از منتقدان سرسخت طرح انگاشت رقابت پذیری در مقیاس قلمرو، بر این باورند که «تحرك میان منطقه‌ای عوامل تولید» شرط اصلی برای معنادار شدن مفهوم مزیت رقابتی است؛ در غیر این صورت اصل مزایای نسبی هم چنان اعتبار دارد.

به مرور برنامه‌ریزی توسعه‌ی فضایی نیز، به شیوه‌ای که باعث افزایش رقابت پذیری مکان و موفقیت آن در جذب سرمایه و نیروی انسانی سیال شود، به دغدغه‌ی بسیاری از صاحب‌نظران علوم منطقه‌ای و شهری تبدیل شد و بررسی ارتباط میان «رقابت پذیری» و «مکان» در دستورکار قرار گرفت. در این رابطه، نقش آفرینی مکان در دو زمینه‌ی اصلی مطرح شد؛ نخست فراهم ساختن محیط رقابتی

دارد و نه «زمینه‌ی فعالیت» که در آن رقابت می‌کنند و (۳) با اهمیت یافتن چگونگی رقابت شرکت‌ها، دو موضوع «راهبردهای بنگاه» و «کیفیت محیط کسب و کار» اهمیت پیدا می‌کند. **پ- دیدگاه نظری سوم- دیدگاه مشهور و پذیرفته شده‌ی پاول کروگمن- غیرعلمی دانستن و امکان‌ناپذیری بحث در مورد مفهوم رقابت‌پذیری در سطح مکان (بالاخص کشورها) با محوریت موضوعات اقتصادی و مرتبط دانستن آن تنها در سطح بنگاه‌ها:** پاول کروگمن برای نخستین بار به صورت غیررسمی در سال ۱۹۹۴ و به صورت رسمی در سال ۱۹۹۶ در نقد دیدگاه پورتر، کاربرد انگاشت «رقابت‌پذیری» (به معنای افزایش بهره‌وری اقتصادی در مقایسه با رقبای) برای اقتصاد «کشورها» را به لحاظ تجربی بی‌اساس و بی‌معنا دانسته و مقایسه‌ی مکان با بنگاه‌ها را قیاس بی‌جامی خواند (Krugman, 1996). وی برخلاف مرکانتلیست‌ها و استراتژیست‌ها بر این باور است که در اقتصاد بین‌المللی، قدرت یک‌تاز^۱ وجود ندارد و در نتیجه بازی «برد-باختی» که منجر به رقابت کشورها در جذب فعالیت‌ها شود، بی‌معناست؛ بلکه مزایای نسبی و تفاوت‌های کشورهاست که در مکان‌گزینی جهانی فعالیت‌ها وارد عمل خواهد شد (شرایط رقابت کامل). بسیاری از صاحب‌نظران مانند کروگمن، که استفاده از انگاشت رقابت‌پذیری قلمرویی در مقیاس کشورها را مردود اعلام می‌دارند، کاربرد این واژه در سطح «منطقه» را امکان‌پذیر می‌دانند؛ مایکل پورتر نیز هم‌زمان با آشکار شدن اهمیت سطح منطقه در سال‌های اخیر و با این باور که مزیت‌های رقابتی در یک فرآیند شدیداً محلی شده تولید و تداوم می‌یابد، از مزایای رقابتی کشورها به سمت مزایای رقابتی منطقه‌ها تغییر جهت پیدا کرده است (Porter, 1990, 19). از دیدگاه مایکل پورتر و نیز افراد دیگری چون لور (Lever, 1999)، تاروک (Turok, 2004)، کامانی (Camagni, 2002) و لنگیل (Lengyel, 2006)، رقابت منطقه‌ها از برخی جهات هم‌چون (۱) برخوردار نبودن از سیاست‌های مالی و پولی برای ایجاد تفاوت در بهره‌وری و جذب بنگاه‌ها، (۲) وجود تحرک عوامل تولید و در نتیجه مهاجرت نیروی انسانی و سرمایه در صورت نبود شرایط لازم و در نتیجه امکان رسیدن منطقه به پایان کسب‌وکار با رقابت کشورها تفاوت دارد و از جهاتی دیگر هم‌چون (۱) تعدد واحدهای تصمیم‌گیری در منطقه، (۲) زمان بر بودن فرآیند ایجاد رقابت‌پذیری، (۳) متفاوت بودن هدف رقابت‌پذیری نه تنها بر سر یک هدف بیشینه کردن سود و (۴) این که رقابت بین منطقه‌ای مانند بنگاه همواره یک بازی با حاصل جمع صفر^۱ نیست (بلکه می‌تواند یک بازی برد- برد باشد که یا باعث بهبود جایگاه منطقه یا تقویت همکاری بین منطقه‌ای شود) با رقابت بنگاه‌ها متفاوت است.

برخلاف روشن بودن مفهوم رقابت‌پذیری در سطح بنگاه‌ها و حتی کشورها، تعاریف متعدد و گاه ابهام‌آوری از رقابت‌پذیری در سطح منطقه وجود دارد. در این رابطه می‌توان به تعریف اتحادیه اروپا (EC, 2008) اشاره کرد که در آن رقابت‌پذیری «ابزاری برای افزایش پایدار استانداردهای زندگی یک منطقه و کاهش نرخ بیکاری غیرداوطلبانه تا حد امکان» تعریف شده است. یا تعریف

مبانی نظری و ردیابی پیشینه پژوهش

به عنوان گام نخستین پژوهش و با نیت شناسایی فراگیر ابعاد و پیش‌ران‌های متنوع معرفی شده از رقابت‌پذیری منطقه‌ای، مبانی نظری و پیشینه پژوهش با هدف پاسخ‌گویی به دو پرسش پیش‌گفته در قالب دو بخش پیگیری خواهد شد.

بخش نخست- تشریح چيستی انگاشت رقابت‌پذیری قلمرویی در مقیاس میانه (رقابت‌پذیری منطقه‌ای)

مفهوم رقابت‌پذیری در مقیاس خرد شفاف است؛ به معنای توانایی بنگاه در بقا، رقابت، رشد و بهره‌ور بودن در بازارهای هدف رقابت (Bristow, 2005; Lengyel, 2009). از دیدگاه صاحب‌نظرانی چون مایکل پورتر رقابت‌پذیری بنگاه با هدف افزایش سودمندی در گرو افزایش بهره‌وری است و تنها در صورت تولید برون داده‌های بیشتر به ازای واحدهای تولید کمتر نسبت به رقبای می‌توان به مزایای رقابتی دست پیدا کرد (Porter, 2008, 37-73). هم‌چنین این مفهوم نیز کم و بیش در سطح مکان در مقیاس کشور نیز شفاف است. در این رابطه سه دیدگاه اصلی تشخیص‌دانی است:

الف- دیدگاه نظری نخست- دکترین مرکانتلیست‌ها (بازار بست‌گرایان)^۲- وجود رقابت‌پذیری اقتصادی در سطح کشورها همانند رقابت موجود میان بنگاه‌های اقتصادی؛ این دیدگاه که توسط منتقدان آن مانند کروگمن (Krugman, 1996) به اقتصاددانان مرکانتلیست نسبت داده می‌شود، شهودی‌ترین تعریف از رقابت‌پذیری را ملاک عمل قرار داده، رقابت‌پذیری اقتصادی کشورها در زمینه‌های بین‌المللی را به شیوه‌ی بنگاه‌ها ممکن دانسته و رونق و برون‌رفت آنها از بحران‌های موجود را منوط به افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی ملی و برقراری تراز تجاری مثبت می‌داند. این دسته از اقتصاددانان و بسیاری از سیاست‌مداران، رهبران تجاری جهان، روزنامه‌نگاران و نویسندگان پر فروش کتاب‌های اقتصادی (کتاب‌های کروگمن از کتاب پر فروش لستر (Thurow, 1992) در زمینه‌ی رقابت‌پذیری اقتصاد ملی (Krugman, 1996)) پیروان این دیدگاه، تجارت با هدف صادرات و تولید اشتغال ناشی از آن برای رونق اقتصادی کشور را «هم‌چون جنگ جهانی^۳» و بازی «برد-باخت» دانسته و پیروزی را در گرو کاهش موانع تجاری بازارهای جهانی و برابر با افزایش بهره‌وری و بخش‌های ارزش‌افزا قرار می‌دهد.

ب- دیدگاه نظری دوم- دکترین مایکل پورتر- اقتصاددانان استراتژیست- وجود رقابت‌پذیری در سطح کشورها متفاوت با بنگاه‌ها: در دکترین مایکل پورتر، مبتنی بر نظریه‌ی مزایای رقابتی، این باور وجود دارد که متاثر از جهانی‌شدن، هم‌آورد^۴ سنتی معنی جدیدی پیدا کرده و تبدیل به رقابت شده است (Lengyel, 2009, 21). دکترین پورتر، در قالب سه گزاره، عامل اساسی موجد رقابت‌پذیری را فارغ از نوع فعالیت، «مکان» می‌داند (Porter, 1998 b, 80-83)؛ (۱) رقابت نوین کشورها مستلزم بهره‌وری بنگاه‌ها است تا دسترسی به عوامل تولید و مزیت‌های نسبی. (۲) بهره‌وری بنگاه نیز بستگی به «چگونگی» رقابت آنها

روش‌های مختلفی برای نمایه‌سازی و رتبه‌بندی وضعیت کشورها، مناطق و کلان‌شهرها در سرتاسر دنیا نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش‌ها را می‌توان در دو مقیاس ماکرو (کلان و در سطح کشور) و مزو (میانه و در سطح منطقه یا شهر) ردیابی کرد. در مقیاس ماکرو آمریکا نخستین کشوری است که در دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی از طریق ایجاد شورای دولتی سیاست‌گذاری رقابت‌پذیری^{۱۲}، گامی در راستای تدوین گزارش سالانه وضعیت رقابت‌پذیری اقتصاد آمریکا برداشت. پس از آن اروپا برای از بین بردن فاصله با آمریکا و تبدیل اتحادیه به پویاترین اقتصاد دانش‌بنیان رقابتی تا سال ۲۰۱۰ شورای رقابت‌پذیری اروپا را در سال ۱۹۹۷ تاسیس و موظف به تولید گزارش‌های منظم رقابت‌پذیری اتحادیه اروپا (ECI)^{۱۳} در زمینه‌ی وضعیت فعالیت‌های اتحادیه‌ی اروپا شد. به علاوه سازمان‌ها و مشاوره‌های خصوصی بسیاری نیز برای سنجش وضعیت و کشف دلایل رقابت‌پذیری‌شان ایجاد شده‌اند؛ مجمع جهانی اقتصاد (داووس)^{۱۴} ژنو سوئیس، موسسه رقابت‌پذیری (CI) بارسلونا، اسپانیا، شورای رقابت‌پذیری^{۱۵} واشنگتن و موسسه راهبرد و رقابت‌پذیری^{۱۶} هاروارد آمریکا (Kitson, Martin & Tyler, 2004) از این دسته‌اند. گزارش رقابت‌پذیری جهانی (GCR)^{۱۷} مجمع جهانی اقتصاد (داووس) (WEF) ژنو، کتاب سالانه‌ی رقابت‌پذیری جهانی (WCY)^{۱۸} موسسه بین‌المللی توسعه مدیریت (IMD)^{۱۹} و گزارش رقابت‌پذیری اروپا شورای رقابت‌پذیری اروپا (ECC)^{۲۰}، نمونه‌هایی از رویکرد رتبه‌بندی به شمار می‌روند. در مقیاس مزو نیز می‌توان به گزارش واحد اطلاعات اقتصادی (EIU)^{۲۱} که در سال ۲۰۱۲ وضعیت رقابت‌پذیری ۱۲۰ شهر جهانی را از نظر توانایی ایشان در جذب سرمایه، کسب و کار، جمعیت خلاق و گردشگر در قالب ۳۱ شاخص کیفی و کمی در هشت مقوله‌ی موضوعی قوت اقتصادی، سرمایه‌انسانی، سودمندی نهادی، پختگی مالی، وجهه‌ی جهانی، سرمایه‌های کالبدی، ویژگی اجتماعی و فرهنگی و محیط زیست مورد بررسی قرار داده است و یا رتبه‌بندی وضعیت رقابت‌پذیری مناطق بریتانیا توسط شورای رقابت‌پذیری بریتانیا در قالب گزارش‌های سالانه (UKCI)^{۲۲} از طریق معرفی شاخص یکپارچه (سه دسته شاخص درون‌دادی، برون‌دادی و پیامدی) اشاره کرد. هم‌چنین موسسه راهبردهای شهری تشکیلات یادمانی موری توکیو نیز تحت عنوان نمایه شهر قدرت‌های جهانی GPCI^{۲۳} به رتبه‌بندی وضعیت کلان‌شهرها پرداخته است. بر اساس این گزارش، در سال ۲۰۱۴ نیویورک در دو زمینه‌ی «فعالیت‌های کسب و کار (توانایی شهر در جذب فعالیت‌های پیش‌رو جهانی)» و «سرمایه‌های انسانی (توانایی کلان‌شهر در جذب طبقه خلاق)»، پاریس در زمینه‌ی «تبادل اطلاعات (سهولت انتقال اطلاعات)»، لندن در زمینه‌ی «تجارب فرهنگی (میزان تنوع جاذبه‌های گردشگری)» و واشنگتن در زمینه‌ی «مشارکت‌های سیاسی (اثرگذاری کلان‌شهر در گفتمان‌های سیاست بین‌المللی)» کلان‌شهر پیش‌رو شناخته شده‌اند. هم‌چنین از طریق نمایه‌ی شهرهای جهانی GCI و دورنمای شهرهای در حال ظهور^{۲۴} به مقایسه‌ی وضعیت رقابتی ۶۰ کلان‌شهر جهانی می‌پردازد. در مجموع، گرچه روش‌های رتبه‌بندی در هنگام مقایسه

قبل‌تر آن که رقابت‌پذیری را درجه‌ای می‌داند که در آن منطقه یا شهر به تولید کالا و خدمات موردنیاز ذائقه‌ی بازارهای منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی بپردازد و هم‌زمان باعث افزایش درآمد و اشتغال، بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ارتقای توسعه به شیوه‌ای پایدار شود (EC, 1999, 4). کروگمن نیز رقابت‌پذیری منطقه‌ای را توانایی منطقه در تدارک دستمزدهای کافی و یا اشتغال و بازگشت سرمایه (Krugman, 2003) و نیز ظرفیت نسبی منطقه در جذب عوامل سیال (نیروی کار و سرمایه) از یک‌دیگر و میزبانی فعالیت‌های اقتصادی می‌داند (Krugman, 2005, 40). مهم‌ترین تعریف مورد قبول محیط‌های آکادمیک، به ویژه در میان نومنته‌گرایان از رقابت‌پذیری منطقه‌ای، به تعریف مایکل استورپر (Storper, 1997) از دو دیدگاه اقتصاد کلان و خرد بازمی‌گردد؛ وی رقابت‌پذیری منطقه‌ای را تنها معادل افزایش بهره‌وری ندانسته، بلکه در گرو افزایش استانداردهای زندگی و توانایی نگهداشت برآمدهای برنده نیز می‌داند؛ یعنی ترکیبی از مزایای رقابتی پورتری و جذابیت محیط منطقه برای کسب و کار. ملکی (Malecki, 2002; Malecki, 2004) نیز با تأکید بر ابعاد غیرمالی، از واژه‌ی «چسبندگی مکان» برای توصیف رقابت‌پذیری استفاده می‌کند و آن را توانایی اقتصاد محلی در ایجاد شرایطی برای افزایش استانداردهای زندگی ساکنانش می‌داند. وی بر این باور است که رقابت میان منطقه‌ها چیزی ورای بازاریابی یا تلاش برای فروش آنهاست؛ بلکه شامل تقویت یا بهبود ویژگی‌هایی است که جذب و نگهداشت سرمایه‌گذاری (۱) و مهاجر (۲) را ممکن ساخته و منطقه را تبدیل به مکان چسبنده کند. آنچه که در مجموع از این تعاریف استنباط می‌شود آن است که اهداف و دستورکارهای متفاوتی از رقابت‌پذیری منطقه‌ای پیگیری می‌شود؛ لیکن هدف هر چه باشد، چه جذب سرمایه‌های سیال و بنگاه‌های رقابت‌پذیر، چه نیروی انسانی خلاق، مصرف‌کنندگان و خریداران پیشرفته و چه گردشگران و روی دادهای بین‌المللی، همگی در یک چیز مشترکند و آن تداوم بهره‌وری، توزیع ثروت و از این طریق بهبود عملکرد اقتصادی منطقه.

بخش دوم - ردیابی و آسیب‌شناسی رهیافت‌های موجود

در زمینه‌ی چگونگی دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای

در گفتمان‌های مربوط به رقابت‌پذیری منطقه‌ای، دو پرسش اساسی به هم وابسته همواره دغدغه‌ی اصلی بوده که زمینه‌ساز تدوین مدل‌های نظری و تجربی فراوانی در این رابطه شده است: نخست - چپستی رقابت‌پذیری منطقه‌ای و دیگری چرایی رقابت‌پذیری بیشتر برخی منطقه‌ها نسبت به منطقه‌های دیگر که پاسخ‌گویی به آن، چگونگی دستیابی منطقه به جایگاه رقابتی را نیز آشکار می‌کند. در زمینه‌ی پاسخ‌گویی به پرسش دوم سه رهیافت اصلی در متون مختلف تشخیص دادنی است:

• **رهیافت نخست - سنجش قیاسی وضعیت و جایگاه رقابتی کشورها و مناطق از طریق رتبه‌بندی (بنچ‌مارک کردن) -** از دیدگاه رهیافت نخست، آن‌چنان که از نام رقابت‌پذیری نیز برمی‌آید، این انگاشت تنها در یک وضعیت قیاسی و نسبی معنادار خواهد شد. بر این اساس و با هدف بهبود جایگاه رقابتی،

خوشه‌ای شدن است که باعث ایجاد سودمندی عملیاتی و موقعیت راهبردی برای بنگاه خواهد شد (Porter, 2000, 275-253). وی برای توسعه اقتصاد منطقه «رهیافت خوشه‌های^{۲۷}» را پیشنهاد می‌کند (Porter, 2003). پورتر در کتاب خوشه‌ها و اقتصاد جدید رقابتی (Porter, 1998 a)، به طور مفصل به این پیش‌ران می‌پردازد و بعدها نیز در بسط مفهوم رقابت‌پذیری به منطقه، هنگامی که در جست‌وجوی راهکارهای احیای منطقه‌های مرکزی شهرها برمی‌آید، رقابتی شدن مکان را در گرو تشکیل خوشه‌ها قرار می‌دهد (Porter, 2008). با قائل شدن به تفاوت میان انواع تجمع‌های فضایی نئوکلاسیک، خوشه‌های پورتر به عنوان نهادهای نوآورانه‌ی پیوندی از شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و پیوندهای دانشی میان بنگاه‌های فعالیتی تشکیل شده که علاوه بر هم‌مکانی از تبادل شدید دانش و روابط بین‌فردی نیز برخوردار است.

(۳) نظریه‌ی اقتصاددانان تکاملی^{۲۸} و دیدگاه نظری

نوشومپیترین‌ها^{۲۹} - تعریف‌های کیفی از رقابت‌پذیری قلمرویی، که برای دارایی‌های نرم در کنار دارایی‌های سخت به عنوان پیش‌ران رقابت‌پذیری قلمرویی اهمیت قائل هستند، ایجاد محیط نوآورانه و کارآفرین را شرط لازم برای دستیابی به رقابت‌پذیری معرفی می‌کنند. براین اساس، برخلاف کشورهای تازه صنعتی شده (NICs) مانند چین، که در مرحله‌ی نخست توسعه‌ی رقابت‌پذیری بر عوامل تولید و تولید انبوه کالا با قیمت ارزان قرار داشته، مزیت رقابتی کشورهای توسعه‌یافته در نوآوری و عوامل مشاهده‌ناشدنی قرار دارد. بنابراین اهمیت عوامل مشاهده‌نشده‌ی توسعه‌ی اقتصاد منطقه Mor (gan, 1997, 491-503) مانند ظرفیت‌های نهادی و نوآوری منطقه‌ای آشکار شده است؛ تا اندازه‌ای که پورتر (Porter, 2004) رقابت‌پذیری مبتنی بر نوآوری را به عنوان آخرین مرحله‌ی یک توسعه‌ی رقابت‌پذیر، پس از مراحل مبتنی بر عوامل تولید و مبتنی بر سرمایه‌گذاری، معرفی می‌کند.

(۴) نظریه جدید رشد^{۳۰} رومر، رشد درون‌زا^{۳۱} و سرمایه‌های

انسانی لوکاس - ادوارد گلاوسر^{۳۲} اقتصاددان و روبرت لوکاس^{۳۳}، کلید رقابت‌پذیری را در تقویت نیروی متخصص یا سرمایه‌انسانی به منظور تولید ایده و اندیشه می‌دانند. این امر باعث ایجاد آثار مثبتی می‌شود که «سرمایه‌های بیرونی انسانی^{۳۴}» نامیده می‌شود (Lu, 1988). نظریه نوین رومر (Romer, 1990) نیز رشد اقتصادی را ناشی از سرمایه‌انسانی و دانش منطقه‌ای می‌داند. پیش از آن نیز اولمن (Ullman, 1958)، به نقش سرمایه‌های انسانی در فرآیند توسعه منطقه‌ای اشاره داشته است. پیش‌ران‌های تجویز شده در این نظریه، از صراحت کالبدی برخوردار نبوده ولی انگاشت‌هایی چون شهر مهارت^{۳۵} گلاوسرو یا خوشه‌ی سرمایه‌انسانی لوکاس به طور غیرمستقیم به موضوع تجمع نیروی انسانی متخصص در رقابت‌پذیری منطقه اشاره دارد.

(۵) نظریه سرمایه‌های خلاق^{۳۶} ریچارد فلوریدا - از دیدگاه

نظری فلوریدا (Florida, 1995; Florida, 2003; Florida, 2005)، منطقه‌های پیشرو و رقابت‌پذیر، آنهایی هستند که در جذب افراد

و ارائه‌ی تصویری نسبی از وضعیت رقابت‌پذیری مناطق و آشکار ساختن نقاط ضعف و دلایل عقب‌ماندگی مناطق نسبت به یکدیگر دارای مناسبت هستند، لیکن به دلایلی هم‌چون یکسان فرض کردن و در برخی مواقع مشخص نبودن ضریب اهمیت متغیرها نسبت به یکدیگر، نادیده گرفتن هم‌خطی‌ها و هم‌پوشانی‌های موجود میان شاخص‌ها و هم‌چنین اثرات غیرمستقیم شاخص‌ها بر یکدیگر، نداشتن جامعیت و دربرگیرندگی و نادیده گرفتن برخی از مولفه‌ها و ابعاد اثرگذار در ایجاد رقابت‌پذیری و در نهایت تکیه بر معیار مهیا بودن اطلاعات در انتخاب شاخص‌های اندازه‌گیری‌کننده، در سیاست‌گذاری و پیشنهاد راهکارهای دستیابی به رقابت‌پذیری به خطا رفته و باعث تخصیص نابه‌جای منابع خواهند شد.

• رهییافت دوم - معرفی پیش‌ران‌ها و مولفه‌های موفقیت

رقابت‌پذیری منطقه‌ای از دیدگاه‌های نظری مختلف - در کنار انواع روش‌های قیاسی پیش‌گفته، رهییافت دومی نیز تشخیص‌دادنی است؛ در بسیاری از متون موجود، صاحب‌نظران فعال در انتظام‌های مختلف، هر یک از دیدگاهی، دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای را در گرو یک پیش‌ران یا مولفه‌ی موفقیت قرار می‌دهند. با وجود ابهام‌های فراوان در متون مربوطه، که می‌توان آنها را به درهم‌آمیختگی‌های موضوعی، برداشت‌های ناصحیح ناشی از استفاده از منابع دست دوم و بی‌توجهی به دیدگاه‌های شناختی عرصه‌های مطالعاتی که به طرح این مباحث پرداخته‌اند نسبت داد، در پژوهش پیش‌رو، ردیابی پیش‌ران‌ها و محرک‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای در قالب هفت دیدگاه نظری اصلی امکان‌پذیر شده است:

(۱) نظریه‌ی تجارت جدید جهانی مبتنی بر دیدگاه

نظری اقتصادی نئوکلاسیک‌ها^{۳۵} / نظریه جغرافیای جدید اقتصادی^{۳۶}: با وجود این‌که کروگمن مفهوم رقابت‌پذیری در سطح مکان و به طور خاص کشور را بی‌معنا و آن را تنها در سطح واحدهای فعالیتی دارای معنا می‌داند، اما کاربرد این انگاشت در سطح منطقه را به دلیل «جابه‌جایی عوامل تولید» مجاز می‌داند. سایر نویسندگان اثرگذار بر این نظریه عبارتند از آدام اسمیت، دیوید ریکاردو، تیس، و نبلز و فوجیتا. رقابت‌پذیری در این دیدگاه برابر است با «بهره‌وری نسبی با هدف کسب سهم بیشتر از بازارهای بیرونی (Budd & Hirmis, 2004, 1020)». دیدگاه‌های این نظریه در مورد عوامل ایجاد رقابت‌پذیری منطقه‌ای را می‌توان در (۱) تخصصی‌سازی منطقه بر اساس مزیت‌های نسبی، کاهش تنوع تولید و در نتیجه دستیابی به بازده‌های افزایشی ناشی از مقیاس (۲) افزایش صادرات منطقه‌ای با تاکید بر پایه‌ی اقتصاد منطقه خلاصه کرد.

(۲) دیدگاه نظری استراتژیست‌ها - مایکل پورتر: پورتر،

رقابت‌پذیری منطقه را ناشی از رقابت‌پذیری واحدهای فعالیتی دانسته و دلایل رقابت‌پذیری بنگاه را که سابقاً تنها درون بنگاه‌ها مطرح بود، در مکانی بیرونی جست‌وجو می‌کند. تاکید وی بر نقش مکان و کیفیت محیط از طریق اثرگذاری بر رشد بهره‌وری بنگاه است. منظور او از کیفیت محیط کسب و کار، انگاشت

وجود ندارد" (Boschma, 2004, 1001). نسخه‌های موجود بیشتر مناسب کشورهای توسعه یافته به نظر می‌آیند که حتی در این بسترها نیز ناکافی شناخته شده‌اند. حال آن‌که در زمینه‌ی کشورهای در حال توسعه به ندرت و در مورد ایران به هیچ عنوان تاکنون کوششی در این زمینه صورت نگرفته است. از سوی دیگر پیش‌ران‌های شناخته شده از چشم‌اندازهای نظری و دیدگاه‌های شناختی متفاوتی ارائه شده‌اند؛ لیکن کمتر به ارائه‌ی چارچوب جامع و یکپارچه‌نگر پرداخته شده است. "اکثر رهیافت‌های موجود، رقابت‌پذیری منطقه‌ها را در گرو عواملی قرار می‌دهند که از اهمیت بیشتری برخوردارند" (Kresl & Singh, 2012, 240).

• رهیافت سوم - معرفی ابزارهای فضایی سیاست‌گذاری در دستیابی به رقابت‌پذیری - این رهیافت با در نظر گرفتن واحد تحلیل اثرگذار بنگاه‌ها و واحدهای فعالیتی در تحلیل رقابت‌پذیری، دستیابی به آن را از طریق ابزارهای فضایی سیاست‌گذاری و ترتیبات فضایی ویژه، میسر می‌داند. از دیدگاه این رهیافت، انواع "تجمعی‌سازی اقتصادی"^{۴۴} به دلیل بازده‌های فزاینده بیرونی و دستیابی به سرریزهای دانشی^{۴۵}، باعث افزایش بهره‌وری واحدهای فعالیتی و در نتیجه رقابت‌پذیری منطقه‌ای خواهند شد. گرچه برنامه‌ریزان و جغرافی‌دانان همواره به چگونگی اثرگذاری فضا بر عملکرد اقتصادی شهر و منطقه و بالعکس پرداخته‌اند؛ با این باور که جغرافیا بر پویایی فعالیت‌ها و در نتیجه عملکرد اقتصادی و رقابت‌پذیری مکان اثرگذار است. اما آن‌چه که همواره در این انتظام‌ها مغفول مانده یا کمتر به آن توجه شده است، دو موضوع اساسی است؛ نخست یکسان نبودن اهمیت مکان و تجمعی‌سازی (ابزارهای سیاست‌گذاری فضایی-کالبدی به معنای عام) برای تسهیل رقابت‌پذیری کلیه‌ی فعالیت‌ها در کلیه‌ی بسترها (Feldman & Francis, 2006; Simmie, 2006; Asheim, Cooke, & Martin, 2006; Audretsch & Feldman, 2003) و دیگری توجه به عوامل اجتماعی به عنوان عامل مهم دیگر به جز عوامل فضایی در ایجاد رقابت‌پذیری، یعنی روابط میان بنگاهی و شبکه‌های اجتماعی و دانشی میان واحدهای فعالیتی (Currid & Williams, 2010).

استنتاج چارچوب مفهومی و تشریح روش‌شناسی پژوهش

با توجه به گونه‌بندی سه‌گانه‌ی پیشنهادی، با هدف پاسخ‌گویی دانشی به دو پرسش "چیستی" و "چگونگی دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای ایران" و نیز "تدوین چارچوب مفهومی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران در سطح استان‌ها"، پژوهش پیش‌رو موارد زیر را با نیت رفع کاستی‌های پیش‌گفته در دستورکار قرار داده است.

• یکپارچگی، جامعیت و دربرگیرندگی در پیشنهاد چارچوب توسعه‌ی فضایی رقابت‌پذیر به ویژه با توجه به دستورکار اصلی برنامه‌ریزی توسعه‌ی فضایی که همانا یکپارچگی و توجه به

خلاق از سرتاسر جهان دارای مزیت رقابتی باشند. از این دیدگاه رهبران اقتصادی آینده الزاماً چین و هند نبوده بلکه منطقه‌هایی خواهند بود که افراد خلاق، حاضر به زندگی در آنجا هستند (Porter, 2008, 37-73). از این نظر این دیدگاه با انگاشت "محیط خلاق" که نخستین بار توسط گونار تورنویست^{۳۷} در دانشکده جغرافیای دانشگاه لوند^{۳۸} در ۱۹۷۸ مطرح شد، و کمی بعدتر از آن انگاشت محیط نوآوری فیلیپ آیدالوت^{۳۹}، جغرافی‌دان فرانسوی، و انگاشت شهر خلاق پیترهال (Hall, 2000) متفاوت است. چراکه "عامل انسانی" به عنوان پیش‌ران رقابت‌پذیری منطقه‌ای اهمیت داشته و محیط تنها واسطه‌ای برای جذب آن است؛ حال آن‌که انگاشت محیط خلاق یا شهر خلاق به نقش مکان و خلاقیت آن توجه دارد؛ لیکن در هر دوی این انگاشت‌ها نقش مکان از منبع تامین مواد اولیه و چاهک تخلیه زباله به عنصر حیاتی در جذب مستعدان یا خلاقیت تغییر پیدا کرده است.

(۶) نظریه‌ی فعالیت‌های شناختی - فرهنگی^{۴۰} آلن اسکات و پیترهال - در این دیدگاه نظری، برخلاف نظریه طبقه‌ی خلاق فلوریدا یا دیدگاه نظری شهر مصرفی، "منطقه به عنوان سایت تولید و مصرف در نظر گرفته نمی‌شود" (Scott, 2007, 2011) "که افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد آن به صورت برون‌زا و با مهاجرت به درون طبقه‌ی خلاق اتفاق بیفتد؛ بلکه توسعه‌ی مناطق تداوم "مسیرهای تاریخی و گذشته‌ی رشد"^{۴۱} و وابسته به تحولات درونی منطقه خواهد بود. در واقع پیروان این دیدگاه بر این باورند که افزایش اهمیت دارایی‌های ذهنی و احساسی انسان‌ها (Wyll, 2013) "در سال‌های اخیر باعث تغییر شیوه‌های تولید انبوه به سمت فعالیت‌های کوچک مقیاس نوآور، خلاق و دانش‌بنیان "شناختی- فرهنگی" (متشکل از چهار دسته فعالیت‌های فناوری‌بر، خدمات مالی و کسب و کار، فعالیت‌های هنری و مبتنی بر مد، و فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای) شده است. این دسته فعالیت‌ها، که باعث افزایش رقابت‌پذیری منطقه‌ای می‌شوند، از ماهیت شبه منوبلی و یکه‌تازی برخوردارند که آنها را بدون جانشین ساخته و اشغال "گوشه‌های رقابتی بازار"^{۴۲} را برای این دسته فعالیت‌ها امکان‌پذیر می‌سازد.

(۷) دیدگاه نظری شهر مصرفی^{۴۳} گلاوسر - از این دیدگاه رقابت‌پذیری تنها با هدف جذب سرمایه و نیروی انسانی اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه در مراحل پیش‌رفته‌تر بر سر جذب مصرف و روی داده‌های مصرفی خواهد بود. بر این اساس یکی از پیش‌ران‌های معرفی شده در زمینه‌ی رقابت‌پذیری منطقه‌ای، ایجاد شهر مصرفی است. ادوارد گلاوسر (Glaser, Kolko & Saiz, 2000)، در پی تغییر اهمیت عامل هزینه‌های حمل و نقل به سمت کیفیت زندگی و با این باور که تقاضای کنونی موجود برای شهرها از نوع تقاضا برای بهره‌وری و تسهیلات مصرفی است، نسبت به ظهور شهرهای مصرفی به جای شهر مهارت‌دهی ۱۹۷۰ (اهمیت عمل سرمایه‌های انسانی) آگاهی داده است.

در رابطه با رهیافت دوم موضوع اینجاست که برخی، پیش‌ران‌های خاصی را برای کلیه‌ی بسترها به کار می‌برند که این بی‌معناست. "هیچ مدل بهینه، تعمیم‌پذیر و قابل تقلیدی

پیش‌ران‌های شناسایی شده از دیدگاه‌های نظری مختلف در چارچوب پیشنهادی مورد توجه قرار گیرد.

• **توجه به بستروویژگی‌های زمینه‌ای کشور در پیشنهاد چارچوب توسعه‌ی فضای رقابت‌پذیر منطقه - باور به** متفاوت بودن ضریب اهمیت اثرگذاری پیش‌ران‌ها در دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای، هم به صورت عام و هم به صورت خاص در کشورها و بسته به شرایط بسترهای مختلف، نگارندگان را بر آن داشته تا به مدد روش‌های استقرایی برآمده از داده‌های تجربی گردآوری شده (مدل‌سازی معادلات ساختاری PLS) در بستر مورد بررسی (مناطق درون سرزمین ایران) به پیشنهاد چارچوب رقابت‌پذیری سازگار با شرایط پردازد.

• **ضرورت رفع هم‌خطی‌ها، هم‌پوشانی‌ها و در نظر گرفتن اثرات مستقیم و غیرمستقیم پیش‌ران‌ها بر یک‌دیگر از طریق شناسایی متغیرهای میانجی‌گر -** رویکرد در پیش‌گرفته شده در پژوهش پیش‌رو به منظور رفع هم‌خطی‌ها، هم‌پوشانی‌ها و توجه به نقش متغیرهای میانجی در دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای استفاده از روش تحلیلی نمودار مسیر و تحلیل همبستگی دوطرفه (پیش‌ران‌ها) است.

• **استفاده از شاخص‌های متناسب با ویژگی‌های بسترو برخوردار از روایی برای اندازه‌گیری پیش‌ران‌های رقابت‌پذیری -** به منظور اندازه‌گیری دقیق و روای پیش‌ران‌های مورد استفاده در چارچوب پیشنهادی رقابت‌پذیری منطقه‌ای، رویکرد پژوهش پیش‌رو، استفاده از معیارهای متنوع‌تری، به جز معیار دسترسی به اطلاعات، به منظور تشکیل مدل اندازه‌گیری (نمایه‌سازی یا تعریف شاخص‌های اندازه‌گیری‌کننده‌ی متغیرهای مکنون) است. این سه دسته معیار به شرح جدول ۱ عبارتند از: نخست - معیارهای عمومی شامل سه دسته (۱) معیارهای برآورنده‌ی

کلیه‌ی ابعاد اثرگذار است. برای دستیابی به این مهم، رویکرد پژوهش پیش‌رو توسل بر مفهوم مولفه‌های سازمان فضایی است؛ بنابراین، تعاریفی از رقابت‌پذیری منطقه‌ای در پیشنهاد این چارچوب مورد استفاده است که علاوه بر پرداختن هم‌زمان به دو مولفه‌ی جمعیت و فعالیت، تعاریف زیر را ملاک عمل قرار دهد: الف - مولفه‌ی جمعیت - تقویت یا بهبود ویژگی‌هایی که جذب و نگهداشت مهاجر خلاق و نوآور را ممکن سازد و چسبندگی و جاذبه‌ی مکان را افزایش دهد. در این رابطه، تعاریفی که به توانایی مکان در دستیابی به استانداردهای فزاینده و بالای زندگی اشاره دارد و هم‌چنین راهبردهای افزایش کیفیت و بازاریابی مکان سکونت ملاک عمل است. ب - مولفه‌ی فعالیت - بهبود محیط کسب و کار محلی برای جذب و نگهداشت واحدهای فعالیتی خاص (۱)، سرمایه‌گذاران (۲) و کارآفرینان (۳)؛ در این رابطه، تعاریفی که به ظرفیت نسبی منطقه در جذب عوامل سیال (نیروی کار و سرمایه) از یک‌دیگر و میزبانی فعالیت‌های اقتصادی اشاره داشته و هم‌چنین ایجاد ویژگی‌های خاص رقابتی در محیط کسب و کار هر منطقه مدنظر قرار دارد؛ میزان جذابیت منطقه برای سرمایه‌گذاران "یا" سرمایه‌پذیری"^{۴۶}.

براین اساس، در تدوین چارچوب مفهومی، تعاریفی از رقابت‌پذیری ملاک عمل است که هم به مولفه‌ی واحدهای فعالیتی و هم به مولفه‌ی افراد توجه دارد. این تعریف متفاوت است با تعریف پورتر، که تنها رقابت‌پذیری را در گرو افزایش بهره‌وری واحدهای فعالیتی می‌داند؛ بلکه آن را در گرو افزایش استانداردهای زندگی و توانایی نگهداشت برآمدهای برنده نیز می‌داند؛ یعنی ترکیبی از مزایای رقابتی پورتری و جذابیت محیط منطقه برای کسب و کار و سکونت. براین اساس نیز تنها یک پیش‌ران مدنظر قرار نگرفته و کوشش بر آن است که کلیه‌ی

جدول - فرآیند منتخب پژوهش در ارزیابی و انتخاب متغیرهای آشکار (نشان‌گرهای) پیش‌ران‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای به عنوان درون‌داد و رقابت‌پذیری منطقه‌ای به عنوان برون‌داد.

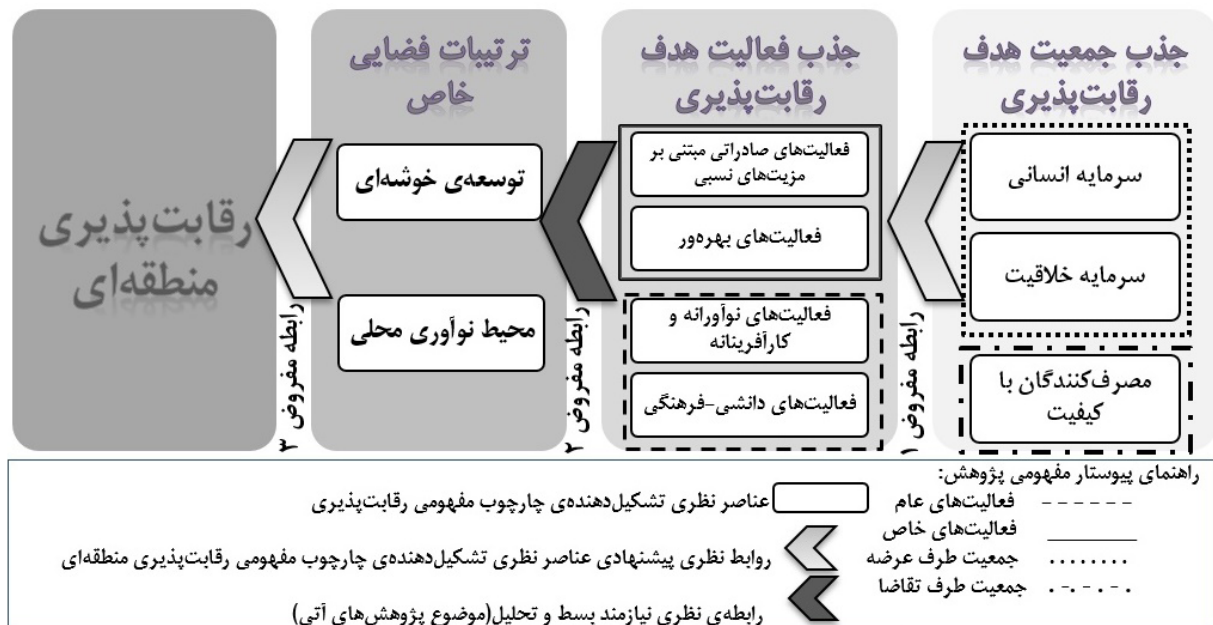
معیار			نشان‌گرهای پیش‌ران
۳	۲	۱	معیارهای عمومی
		نتیجه تحلیل همبستگی (وجود همبستگی بالا میان متغیرهای اندازه‌گیری یک متغیر مکنون)	
		نتیجه تحلیل عاملی	
		قابل اندازه‌گیری و دستیابی در نظام آمار و اطلاعات کشور	
		تدارک راهنمای تصمیم‌گیری برای سیاست‌گذاران منطقه‌ای	معیارهای تخصصی مرتبط با هدف پژوهش
		انحصاری بودن و بازتاب مستقیم ویژگی پدیده‌ی مورد اندازه‌گیری	
		آزمون روایی: مقبولیت معیار از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان توسعه‌ی منطقه‌ای ایران	
		تحقق پذیر ساختن رقابت‌پذیری منطقه‌ای با اهداف درون‌زا	معیارهای تخصصی مرتبط با هدف پژوهش
		امکان پذیر ساختن قیاس وضعیت در سطح مناطق درون کشور با یک‌دیگر	
		تحقق پذیر ساختن رقابت‌پذیری منطقه‌ای به صورت یک رابطه‌ی برد-برد	
		تاکید بر سیاست‌های کیفیت محیط	
		نمره‌ی کل پیش از آزمون برازندگی مدل اندازه‌گیری	
		شاخص‌های ممکن و برازنده (پس از آزمون دروایی و پایایی مدل اندازه‌گیری در نرم‌افزار PLS)	

نتیجه‌ی مرور مابانی نظری موجود به شرح جدول ۱۲ ارائه شده است. بر اساس گونه‌بندی نظری پیشنهادی پژوهش و پذیرش نقش سببی جمعیت خلاق جذب شده در منطقه، ناشی از بهبود کیفیت و ارتقای عملکرد مکان، بر جذب فعالیت‌های هدف رقابت‌پذیری از یک سو و نیز تجمعی‌سازی و توسعه‌ی خوشه‌ای به عنوان شرط اصلی در رونق کسب و کار و ارزش‌افزایی فعالیت‌های هدف رقابت‌پذیری منطقه‌ای، پیوستار مفهومی به شرح نمودار، به عنوان مدل عام پیشنهادی نخستین رقابت‌پذیری منطقه‌ای، معرفی می‌شود. در نهایت نیز روابط موجود در مدل مفهومی نخستین، بر اساس داده‌های گردآوری شده به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری آزمون و پس از برازش، مدل نظری رقابت‌پذیری منطقه‌ای ایران پیشنهاد می‌شود.

جدول ۲- گونه‌شناسی نظری تلفیقی پیشنهادی از رهیافت‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای، مورد استفاده در تدوین مدل مفهومی پژوهش.

مؤلفه‌ی رقابت‌پذیری	ویژگی / نوع عامل اثرگذار بر رقابت‌پذیری	خردمؤلفه موفقیت / پیش‌ران رقابت‌پذیری	سازمان‌دهی فضایی اثرگذار بر رقابت	چشم‌انداز نظری	خردمایه / تشریح
بنگاه‌ها/واحد‌های فعالیتی	فعالیت‌های بهره‌ور	<ul style="list-style-type: none"> اقتصاد تجمعی / اقتصاد تجمعی‌سازی مارشالی (صرفه‌های بیرونی اقتصاد با هدف کاهش هزینه‌های مبادلاتی) اصل مزیت‌های نسبی ریکاردو (تخصصی شدن مبتنی بر مزیت‌های نسبی) صادرات و کسب سهم بیشتر از بازار جهانی 	ناحیه صنعتی نو مارشالی صادرات محور	<ul style="list-style-type: none"> دیدگاه اقتصادی تجارت جهانی دیدگاه نظری جغرافیای جدید اقتصادی مبتنی بر نظریه‌های نئوکلاسیک 	<ul style="list-style-type: none"> هزینه‌ی عوامل تولید در مقایسه با رقبا در نتیجه‌ی تجارت مبتنی بر تخصصی شدن مناطق در زمینه‌های دارای مزیت نسبی و مواهب طبیعی اتفاق می‌افتد.
	کلیدی فعالیت‌های بهره‌ور	<ul style="list-style-type: none"> محیط کسب و کار محلی روابط و پیوندهای اجتماعی بین‌بنگاهی در قالب خوشه‌ها 	تمرکز جغرافیایی شرکت‌های به هم مرتبط / خوشه‌ها	<ul style="list-style-type: none"> دیدگاه نظری استراتژیست‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> هم‌جواری کالبدی عامل کاهش هزینه‌های مبادلاتی فعالیت‌های بهره‌ور و در نتیجه رقابت‌پذیری است.
فعالیت‌های خاص	فعالیت‌های دانشی-فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> فعالیت‌های شناختی: اقتصاد دانشی و پژوهش محور 	مناطق دانشی / خوشه‌ی فعالیت‌های دانش بنیان	<ul style="list-style-type: none"> دیدگاه نظری فعالیت‌های دانشی - فرهنگی 	<ul style="list-style-type: none"> میان سرمایه‌گذاری در R&D، خلق دانش و نوآوری و رقابت‌پذیری به عنوان برون‌داد، رابطه نظری خطی وجود دارد. فعالیت‌های بهره‌ور، انعطاف‌پذیر، اشغال‌کننده‌ی «گوشه‌های رقابتی، محیط زیست محور، دانش بنیان و نوآورانه عامل افزایش رقابت‌پذیری تلقی می‌شوند.
		<ul style="list-style-type: none"> فعالیت‌های هنری و هنری 	خوشه‌های فرهنگی-هنری		
	فعالیت‌های نوآورانه و کارآفرینانه	<ul style="list-style-type: none"> عوامل سخت: ضرورت وجود هم‌جواری برای تسهیل و به عنوان کاتالیزور نوآوری عوامل نرم: بی‌اهمیت بودن هم‌جواری کالبدی (هم‌جواری سازمانی) 	محیط کارآفرینی محلی، هم‌جواری کارآفرینان / سیستم نوآوری منطقه‌ای	<ul style="list-style-type: none"> دیدگاه نظری نهادگرایان، تکامل‌گرایان و نوشومپترین‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> نوآوری معرفت‌تنوعی است که مورد نیاز رقابت‌پذیری است.
			مدل شبکه مبتنی بر سرمایه‌های اجتماعی، اعتماد و هم‌افزایی	<ul style="list-style-type: none"> نوآوری و نه خوشه‌ای شدن به عنوان عامل اصلی رقابت‌پذیری و صادرات تلقی می‌شود. 	

جمعیت و افراد	طرف عرضه	سرمایه انسانی	• نیروی کار متخصص و R&D ها به عنوان منبع بازده‌های فزاینده	با هیچ شکل فضایی مرتبط نیست / شهر مهارت گلاوسر	• نظریه رشد جدید رومر / رشد درون‌زا / سرمایه انسانی لوکاس	• سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی عامل رشد درون‌زا به شمار می‌آید.
		سرمایه خلاقیت	• حرفه‌مندان خلاق شاغل در بخش‌های دانش‌بنیان • هسته‌ی فراخلاق خالق نوآوری	با هیچ شکل فضایی مرتبط نیست / تجمع طبقه‌ی خلاق در کلان‌شهرها	• نظریه سرمایه‌های خلاقیت	• توانایی جذب طبقه‌ی خلاق به عنوان عامل اصلی در جذب فعالیت‌های پیش‌رو و ایجاد جامعه‌ای نوآور و رقابت‌پذیر به شمار می‌آید.
	طرف تقاضا	مصرف‌کنندگان با کیفیت	• بهبود تسهیلات آسایش زیست و ایجاد منطقه‌ی مصرفی	-	• دیدگاه نظری شهر / منطقه مصرفی	• موفقیت شهرها و مناطق به توانایی آنها در جذب جمعیت و گردشگر سیال وابسته است.



نمودار ۱- پیوستار مفهومی نخستین عام رقابت‌پذیری منطقه‌ای، پیشنهاد پژوهش.

ساختن مفاهیم (سازه‌های) نظری در مدل و شناسایی روابط میان این مفاهیم به جای روابط میان متغیرها و نشان‌گرها و هم‌چنین استفاده از بیش از یک نشان‌گر برای هر متغیر مکنون یا سازه‌ی نظری و ارائه‌ی تقریبی دقیق‌تر از هر سازه، (۴) امکان‌پذیری آزمون مدل نظری پیشنهادی پژوهش و اصلاح آن با توجه به شرایط خاص و ویژگی‌های زمینه‌ای بستر ایران از طریق داده‌های تجربی گردآوری شده مربوط به استان‌های ۳۰گانه، (۵) برآزش بهینه‌ترین مدل رقابت‌پذیری منطقه‌ای برای ایران و در نهایت (۶) امکان‌پذیری آزمون خطای مدل اندازه‌گیری به کمک روش تحلیل عاملی تأییدی و در نتیجه امکان حصول اطمینان از درستی انتخاب نشان‌گرهای در نظر گرفته شده برای اندازه‌گیری هر پیش‌ران به عنوان یک متغیر مکنون (سازه‌ی نظری) و رهایی از تنوع دیدگاهی موجود در متون در انتخاب متغیرهای مشاهده‌شده، به نسبت سایر روش‌های رگرسیونی و تحلیل‌های

تشریح روش پیشنهاد چارچوب توسعه‌ی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران

روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به دلیل برخورداری از پتانسیل‌هایی هم‌چون (۱) مدل‌یابی ارتباط میان چندین سازه‌ی مستقل و وابسته به صورت هم‌زمان و در نتیجه امکان‌پذیر ساختن انجام تحلیل‌های یکپارچه، واحد و جامع در یک مدل و پیشنهاد چارچوب یکپارچه‌ی توسعه‌ی فضای رقابت‌پذیری، (۲) امکان‌پذیری تحلیل اثرات غیرمستقیم و باواسطه و تحلیل مدل‌های پیچیده و در نتیجه در نظر گرفتن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم پیش‌ران‌ها بر یکدیگر، (۳) برخورداری از دو دسته متغیرهای مکنون درون‌زا^{۴۷} (متغیرهای تحت تأثیر عوامل درونی) و متغیرهای مکنون برون‌زا (متغیرهای تحت تأثیر عوامل خارج از مدل) و در نتیجه امکان‌پذیری وارد

از ساختار نخستین هرچند خام و نامربوط است که برآزش‌های خود را به وسیله‌ی سعی و خطا و تغییر آن انجام دهد؛ ولی مدل نهایی با مدل نخستین تفاوت داشته و از بیشترین برآزش با وضعیت مناطق در ایران برخوردار خواهد بود.

به منظور کاستن از زمان طولانی موردنیاز برای انجام سعی و خطا بر روی یک ساختار نامربوط، اصلاحات چندین و چند باره بر روی آن و برآزش مناسب‌ترین مدل، تا حد امکان سعی بر آن است که مدل نظری برخوردار از منطق و خردمایه‌ی نخستین وارد نرم‌افزار شود که آن چنان نیز بی‌ربط نباشد. تولید این مدل از طریق پیمودن دو گام زیر به روش "تحلیل مسیر" از طریق نرم‌افزار SPSS میسر شده است: گام نخست - سنجش مناسبیت به‌کارگیری هر یک از هفت پیش‌ران معرفی شده در رقابت‌پذیری منطقه‌ای سرزمین از طریق "مطالعه‌ی روابط سببی"؛ در این گام تنها اثرات مستقیم پیش‌ران‌ها به عنوان ضریب اثرگذاری (تأثیرات مستقیم) هر یک بر برون داد رقابت‌پذیری شناسایی خواهد شد. نتایج تحلیل صورت پذیرفته نشانگر آن است که فعالیت‌های دانشی-فرهنگی با ضریب ۰،۸۵، توسعه خوشه‌ای ۰،۷۹، عوامل محیطی ۰،۶۸، منطقه مصرفی ۰،۶۴۵، درون داده‌های نوآوری ۰،۶۱۳، سرمایه‌های خلاقیت ۰،۶، کیفیت تقاضا ۰،۵ و سرمایه‌های انسانی ۰،۴۵ اثرگذار هستند. گام دوم - آزمون وجود روابط سببی میان هفت پیش‌ران با یکدیگر به منظور شناسایی اثرات غیرمستقیم آنها بر رقابت‌پذیری از طریق سنجش ضریب همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته با یکدیگر و رفع هم‌خطی احتمالی میان آنها از طریق آزمون سنجش هم‌خطی؛ در اثبات وجود روابط سببی میان دو متغیر برقراری دو اصل ضروری است؛ اصل هم‌تغییری یا پیوستگی با اثبات وجود رابطه‌ی همبستگی بالا (بیشتر از ۰،۷) بین دو متغیر بر اساس استدلال‌های تجربی و اصل توامی به معنای پدید آمدن پدیده‌ای در پی وقوع پدیده‌ای دیگر؛ در این پژوهش برای حصول اطمینان نسبت به برقراری اصل توامی، به عنوان شرط لازم برای وجود رابطه‌ی سببی، علاوه بر استدلال‌های مستخرج از مبانی نظری، از روش ساختار تاخیری^{۴۸} نیز استفاده شده است. با این خردمایه که اثرات وقوع یک پدیده بر پدیده‌ی دیگر با فاصله‌ی زمانی بروز پیدا خواهد کرد؛ چنانچه وقوع متغیر a (هریک از پیش‌ران‌های رقابت‌پذیری) پس از چند سال باعث وقوع متغیر b (رقابت‌پذیری منطقه‌ای) شود، لیکن اگر عکس این رابطه اثبات نشود، نشانگر آن است که a علت وقوع پدیده‌ی b است. یکی از مفروضات مهم در آزمون‌های سببی، نبود هم‌خطی میان متغیرهای مستقل است. در غیر این صورت اعتبار مدل زیر سوال می‌رود. هرچه مقدار تولرانس^{۴۹} به یک نزدیک‌تر باشد و هرچه عامل تورم (VIF) از ۲ کم‌تر باشد، نشان‌دهنده‌ی نبود هم‌خطی است. نتایج این آزمون برای متغیرهای مستقل رقابت‌پذیری منطقه‌ای شامل تخصصی‌سازی و کاهش تنوع تولید، افزایش تجارت منطقه، زیرساخت‌های تولید، خوشه‌ای شدن، کیفیت تقاضا، برون داد نوآوری، درون داد نوآوری، سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های خلاقیت، منطقه مصرفی، فعالیت‌های دانشی-فرهنگی نبود

همبستگی، مناسب‌ترین روش برای دستیابی به هدف پیش‌رو به شمار می‌رود. از طرفی از میان دوروش مدل‌سازی معادلات ساختاری، شامل روش مبتنی بر کواریانس (نرم‌افزار لیزرل) و روش مبتنی بر حداقل مجذورات جزئی (نرم‌افزار PLS)، روش PLS به دلیل مزایایی چون قدرت تبیین و پیش‌بینی، توانایی بالا در تولید نظریه و پیش‌بینی، توانایی عمل در مواقعی که هیچ نظریه یا اساس نظری قوی وجود نداشته باشد، پشتیبانی از هر دو نوع رابطه‌ی تشکیل‌دهنده و انعکاسی در شاخص‌سازی و از همه مهم‌تر توانایی کار با نمونه‌های کوچک ۳۰ تایی و نایستگی به توزیع نرمال یا به عبارتی برخورداری از فرض‌های سخت‌گیرانه کمتر در مورد توزیع متغیرها، نسبت به روش نخست در این پژوهش مناسب‌تر به شمار می‌رود.

سطح تحلیل در این پژوهش محدود به منطقه‌های استانی ۳۰گانه‌ی ایران است. خردمایه‌ی این انتخاب، که بخشی به انتخاب سطح تحلیل استانی و بخشی به ۳۰گانه بودن آن بازمی‌گردد، در سه مسئله‌ی اصلی قرار دارد: گستره‌ی اختیارات برنامه‌ریزان توسعه‌ی فضایی در حد مباحث مکانی و نه اقتصاد کلان (با وجود امکان ناپذیری نادیده گرفتن اثرگذاری مقوله‌های دیگری چون سیاست‌های کلان اقتصادی و مالی کشورها، ظرفیت‌های نهادی جامعه‌ی موردبررسی، مزیت‌های نسبی و راهبردهای بنگاه بر وضعیت رقابت‌پذیری)، هم‌رایی اکثریت صاحب‌نظران در خصوص معنادار بودن رقابت قلمرویی در سطح منطقه به دلیل عامل تحرک عوامل تولید و در نهایت فراهم نبودن اطلاعات آماری مربوط به دوره‌های سرشماری ۱۳۸۵ به قبل در استان تازه‌تاسیس البرز؛

معرفی مدل ساختاری (مدل نظری نخستین) پژوهش به عنوان چارچوب کلان توسعه‌ی رقابت‌پذیر مناطق

کاستی رهیافت‌های رایج در تعیین مولفه‌های موفقیت و پیش‌ران‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای، از جمله پرداختن به موضوع تنها از دریچه‌ی یک دیدگاه نظری و انتظام خاص، یکسان فرض کردن ضریب‌اهمیت و میزان اثرگذاری پیش‌ران‌های شناسایی شده در دستیابی به رقابت‌پذیری و بی‌توجهی به نقش متغیرهای مداخله‌گر (میانجی) در تدوین روابط سببی از یک سو و ناممکن بودن تعمیم مدل‌های مرسوم به کلیه‌ی بسترها از سوی دیگر، معرفی مدل نظری نخستین رقابت‌پذیری، به عنوان گام اساسی و نخستین در تدوین چارچوب "توسعه‌ی فضایی رقابت‌پذیری منطقه‌ای ایران"، را در دستورکار این پژوهش قرار داده است. گرچه روش منتخب در این پژوهش به منظور معرفی چارچوب رقابت‌پذیری قلمرویی ایران روشی استقرایی است که در آن پژوهشگر در ابتدا خود را به چارچوب نظری و ساختار مشخص و از پیش تعریف شده محدود نمی‌کند و بدون پیشینه‌ی ذهنی به کاوش در داده‌های تجربی می‌پردازد، لیکن مدل PLS با وجود تمام پتانسیلی که در اجرای این شیوه‌ی پژوهش دارد، باز در آغاز نیازمند برخوردار

شاخص‌سازی پیش‌ران‌هاست. از میان موارد متعدد معرفی شده در متون مختلف به منظور اندازه‌گیری هفت پیش‌ران منتخب، نشانگرهای گزینش شده و نهایی براساس معیارهای سه‌گانه‌ی معرفی شده در گزینش (جدول ۱)، در جدول ۳ خلاصه شده است. در گام نهایی نیز پس از عملیاتی‌سازی متغیرهای مکتون به واسطه‌ی نشانگرهای بالا، به روش سعی و خطا با کمک نرم‌افزار PLS به پیشنهاد برانزنده‌ترین نظری مدل رقابت‌پذیری منطقه‌ای ایران با استفاده از داده‌های تجربی گردآوری شده پرداخته می‌شود.

هم‌خطی در مولفه‌های تخصصی‌سازی و تجارت منطقه را نشان می‌دهد. به این معنا که مابقی مولفه‌ها به نوعی از طریق اثرگذاری بر یک‌دیگر بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای اثرگذارند. براساس تحلیل‌های صورت‌پذیرفته به شرحی که رفت، مدل اولیه ترسیم شده در سمت راست نمودار ۳، مدل ساختاری و سببی نخستین پیشنهادی پژوهش شامل روابط میان مولفه‌های نظری منتخب را نمایش می‌دهد. در گام بعد، عملیاتی‌سازی این مدل ساختاری در دستورکار قرار دارد که مستلزم تدوین مدل اندازه‌گیری یا به عبارتی

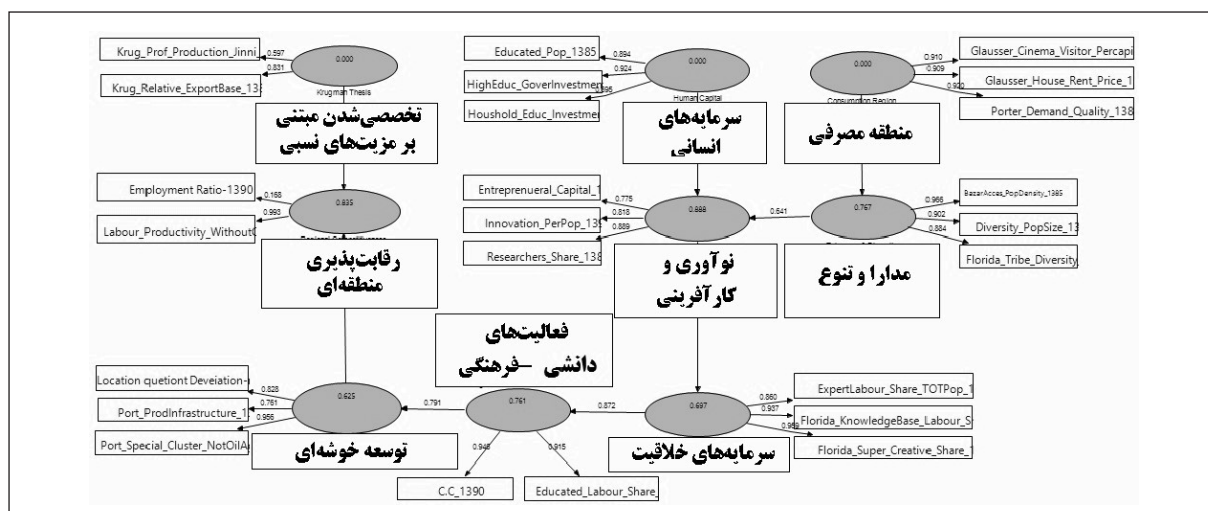
جدول ۳- تعریف متغیرهای مکتون (مستقل و وابسته)، مفاهیم و متغیرهای آشکار پژوهش سببی رقابت‌پذیری.

متغیرهای مکتون مستقل	مفاهیم	متغیر آشکار/ نشان‌گر
دیدگاه نظری جغرافیای جدید اقتصادی کروگمن	تخصصی‌سازی ساختار اقتصاد و کاهش تنوع تولید	• تغییرات اثرات خالص منطقه بر تحولات اتفاق افتاده در بخش‌های اقتصادی دارای مزیت نسبی در فاصله‌ی دو بازه‌ی زمانی ۱۳۸۵-۹۰ و ۱۳۸۰-۸۵
	افزایش تجارت منطقه براساس مزیت‌های نسبی	• تغییرات ضریب مکانی فعالیت‌های دارای مزیت نسبی
دیدگاه نظری استراتژیست‌ها مایکل پورتر	عوامل محیطی و زیرساخت‌های تولید	• تغییرات سهم خانوارهای برخوردار از تسهیلات در فاصله‌ی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵
	میزان خوشه‌ای شدن	• انحراف معیار ضریب مکانی فعالیت‌ها به جز کشاورزی و معدن • جمع اختلاف ضریب مکانی فعالیت‌های بالای یک از یک (به جز نفت)
دیدگاه نظری اقتصاددانان تکاملی و نوشومیترین‌ها	نوآوری	• سهم محققان مشغول در واحدهای دارای فعالیت تحقیق و توسعه از کل اشتغال سال ۱۳۸۳ • سرانه نوآوری به ازای ۱۰۰ کارگاه ۱۳۹۰ های بالای ۱۰ نفر کارکن صنعتی • سرانه نوآوری به ازای یک میلیون نفر جمعیت ۱۳۹۰
	کارآفرینی	• سهم کارفرمایان از کل اشتغال ۱۳۹۰
دیدگاه نظری رشد درون‌زا	درون‌دادهای سرمایه‌های انسانی	• سرانه هزینه آموزشی دولت به جمعیت ۱۵ تا ۵۰ سال • سهم هزینه آموزش خانوار از کل هزینه‌ها
	برون‌دادهای سرمایه‌ی انسانی	• سهم جمعیت متوسطه و عالی از جمعیت ۱۴ تا ۵۰ سال
دیدگاه نظری سرمایه‌های خلاقیت فلوریدا	سرمایه‌های خلاقیت	• سهم فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی ارشد به بالا از جمعیت ۲۵ تا ۶۰ سال • سهم نیروی انسانی متخصص از کل شاغل
		• سهم فارغ‌التحصیلان رشته‌های انسانی و هنر ارشد به بالا از جمعیت ۲۵ تا ۶۰
دیدگاه نظری گلاوسر	منطقه مصرفی	• انحراف از معیار سهم اقوام • اندازه جمعیت سال ۱۳۸۵ • تراکم جمعیت سال ۱۳۸۵
		• قیمت اجاره مسکن • سهم هزینه‌های غیرخوراکی خانوار از کل
	درون‌داد منطقه مصرفی	• سهم تماشاجی به ازای کل جمعیت
دیدگاه نظری آلن اسکات	فعالیت‌های دانشی- فرهنگی	• سهم اشتغال در فعالیت‌های "مالی و بیمه"، "هنر، سرگرمی و تفریح"، "اطلاعات و ارتباطات" و "علمی، فنی و حرفه‌ای" از کل اشتغال سال ۱۳۹۰ • سهم نیروی انسانی تحصیل‌کرده از کل جمعیت سال ۱۳۹۰
متغیر مکتون وابسته	مفاهیم	متغیر آشکار
رقابت‌پذیری منطقه‌ای	بهره‌وری	• ارزش افزوده رشته فعالیت‌های اقتصادی بر اشتغال سال ۱۳۹۰
	توزیع ثروت	• نرخ اشتغال سال ۱۳۹۰

آزمون مدل مفهومی پیشنهادی رقابت پذیری منطقه‌ای در ایران و برازش بهینه‌ترین مدل

پایایی و روایی به دست آید. دوم - تغییر مدل ساختاری به دو روش تغییر روابط سببی میان دو متغیر از طریق تغییر جهت مسیر میان دو متغیر مکنون و حذف یا افزودن مسیر جدید میان دو متغیر مکنون تا زمانی که نمودار مسیر به دست آمده برانده‌ترین مدل از میان مدل‌های موجود با شرایط ایران به دست آید. در نهایت مدل بهینه‌ی توسعه‌ی فضایی رقابت پذیری منطقه‌ای در ایران، با بیشترین برازش با داده‌های تجربی گردآوری شده در بستر مورد پژوهی منتخب، پس از موفقیت در آزمون‌های روایی، پایایی و برازندگی مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری، به شرح نمودار ۲ به دست می‌آید. بررسی وضعیت روایی و پایایی مدل نهایی ترسیم شده، نشان می‌دهد که این مدل نظری از برازش مناسبی با شرایط منطقه‌ای در ایران برخوردار است.

با استفاده از پتانسیلی که PLS در اختیار پژوهش پیش رو قرار می‌دهد، مدل ساختاری (نظری یا مفهومی) نخستینی که در قالب نمودار مسیر ترسیم شد، هر بار به روش سعی و خطا تغییر داده می‌شود تا برانده‌ترین مدل با شرایط منطقه‌ای در ایران به دست آید. این تغییرات سعی و خطا، که نیازمند صرف زمان بسیار است، به دو شیوه صورت پذیرفته است: نخست - تغییر مدل‌های اندازه‌گیری از طریق کاستن، افزودن یا ایجاد ترکیب‌های جدید از نشانگرهای هر یک از سازه‌ها یا متغیرهای مکنون تا زمانی که بهینه‌ترین مدل اندازه‌گیری، از نظر برخورداری از بالاترین سطح



نمودار ۲- مدل نظری کلان توسعه‌ی رقابت پذیر مناطق استانی در ایران (خروجی نرم افزار PLS پس از آزمون روایی، پایایی مدل اندازه‌گیری و سنجش برازندگی مدل ساختاری به شیوه‌ی سعی و خطا).

نتیجه

نمودار ۳، نمایش‌دهنده‌ی مدل نظری کلان اصلاح و برازش داده‌شده‌ی رقابت پذیری منطقه‌ای در ایران با توجه به مدل نظری نخستین است. براساس این مدل، دستیابی به رقابت پذیری استانی در ایران، مستلزم پیمودن گام‌های متواتر زیر و نه توسل یک سویه و یک شبه بر تنها یک شیوه‌ی دستیابی به رقابت پذیری است:

۱. بهبود کیفیت محیط سکونت و افزایش تسهیلات آسایش زیست، یا به عبارتی کوشش در راستای تبدیل منطقه به نه تنها منطقه‌ای تولیدی، بلکه منطقه هدف مصرف‌کنندگان با کیفیت (منطقه مصرفی) در مرحله‌ی نخست باعث جذب ساکنان و مصرف‌کنندگان با کیفیت (عوامل جمعیتی طرف تقاضا) خواهد شد.
۲. جمعیت با کیفیت طرف تقاضا، افزایش مدارا، تحمل و تنوع مکان را در پی خواهد داشت.
۳. افزایش مدارا و تحمل مکان از یک سو و بهبود سرمايه‌های انسانی در منطقه از سوی دیگر به عنوان پیش‌شرط‌های ایجاد نوآوری و کارآفرینی، باعث جذب جمعیت طرف عرضه یا

سرمايه‌های خلاقیت خواهد شد.

۴. با افزایش سرمايه‌های خلاقیت در منطقه، فعالیت‌های رقابت پذیر و نوآور دانشی- فرهنگی جذب منطقه خواهد شد؛
۵. این دسته فعالیت‌ها براساس نیاز خاص شان به برقراری روابط و پیوندهای اجتماعی نوآورانه و استفاده از مزایای دانشی ناشی از هم‌مکانی، ترتیبات فضایی توسعه‌ی خوشه‌ای (به عنوان نهادهای پیوندی یادگیرنده) را سبب خواهند شد.
۶. توسعه‌ی خوشه‌ای فعالیت‌های دانشی- فرهنگی از یک سو و تخصصی شدن منطقه مبتنی بر مزیت‌های رقابتی آن از طریق افزایش بهره‌وری فعالیت‌ها و اشتغال‌زایی هدف نهایی رقابت پذیری منطقه‌ای را رقم خواهد زد.

پیمودن این فرآیند نیازمند تدارک زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم به منظور برقراری گام به گام روابط ترسیم شده در قالب مراحل شش‌گانه پیش‌گفته خواهد بود. هرم نظری رقابت پذیری منطقه‌ای اقتباس شده براساس این مدل در نمودار ۴ نمایش داده شده است. لازم به ذکر است که گرچه براساس این چارچوب، فعالیت‌های دانشی فرهنگی، به عنوان مولفه‌ی

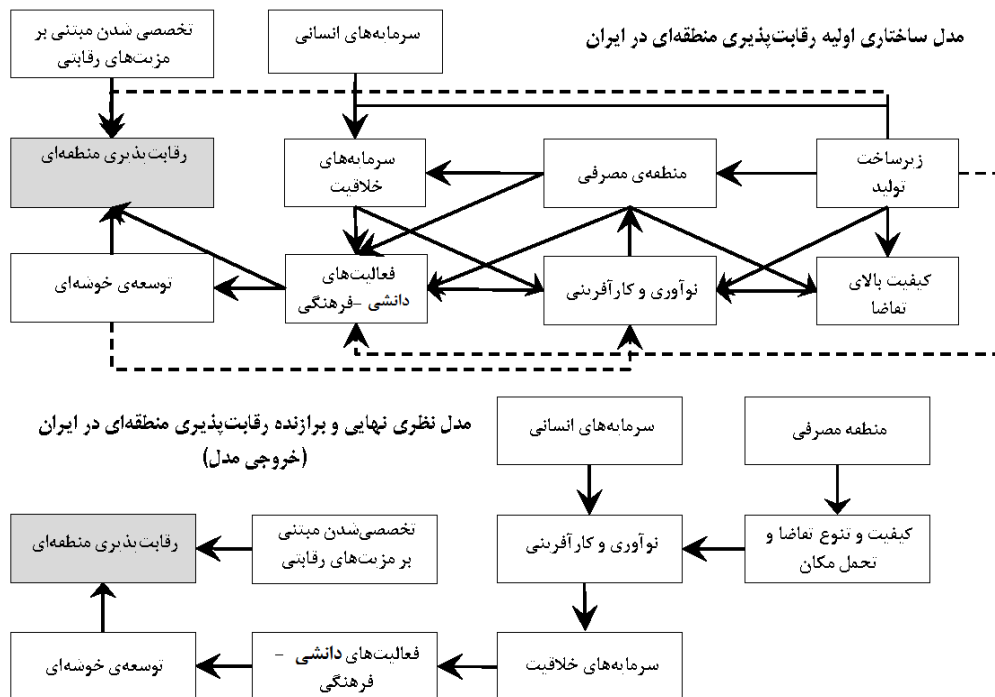
نمودار ۳، نمایش‌دهنده‌ی مدل نظری کلان اصلاح و برازش داده‌شده‌ی رقابت پذیری منطقه‌ای در ایران با توجه به مدل نظری نخستین است. براساس این مدل، دستیابی به رقابت پذیری استانی در ایران، مستلزم پیمودن گام‌های متواتر زیر و نه توسل یک سویه و یک شبه بر تنها یک شیوه‌ی دستیابی به رقابت پذیری است:

۱. بهبود کیفیت محیط سکونت و افزایش تسهیلات آسایش زیست، یا به عبارتی کوشش در راستای تبدیل منطقه به نه تنها منطقه‌ای تولیدی، بلکه منطقه هدف مصرف‌کنندگان با کیفیت (منطقه مصرفی) در مرحله‌ی نخست باعث جذب ساکنان و مصرف‌کنندگان با کیفیت (عوامل جمعیتی طرف تقاضا) خواهد شد.
۲. جمعیت با کیفیت طرف تقاضا، افزایش مدارا، تحمل و تنوع مکان را در پی خواهد داشت.
۳. افزایش مدارا و تحمل مکان از یک سو و بهبود سرمايه‌های انسانی در منطقه از سوی دیگر به عنوان پیش‌شرط‌های ایجاد نوآوری و کارآفرینی، باعث جذب جمعیت طرف عرضه یا

هم افراد (ساکنان، کارآفرینان و گردش‌گران) و هم فضا توجه دارد. این تعریف با تعریف پورتر متفاوت است، که تنها رقابت‌پذیری را در گرو افزایش بهره‌وری واحدهای فعالیتی دانسته است؛ تعاریفی که رقابت‌پذیری منطقه‌ای را مفهوم اقتصادی صرف و تنها در گرو افزایش بهره‌وری بنگاه ندانسته، بلکه در گرو افزایش استانداردهای زندگی و توانایی نگهداشت برآمدهای برنده نیز می‌دانند. یعنی ترکیبی از مزایای رقابتی پورتری و جذابیت محیط منطقه برای کسب و کار و سکونت. بر این اساس نیز تنها یک پیش‌ران مدنظر قرار نگرفته و کوشش برآن بوده است که کلیه‌ی پیش‌ران‌های شناسایی شده از دیدگاه‌های نظری مختلف مورد توجه قرار گیرد. پژوهش پیش‌رو از جهاتی با دیدگاه‌های موجود در زمینه‌ی پاسخ‌گویی به دو پرسش «چستی رقابت‌پذیری منطقه‌ای» و «چگونگی دستیابی به آن» از تفاوت‌هایی در راستای تکمیل آنها برخوردار است. در تعریف رقابت‌پذیری منطقه‌ای، آن‌چنان که در پژوهش به آن پرداخته شد، موارد زیر در نظر گرفته شده است: (۱) توجه هم‌زمان به ابعاد مربوط رشد و ارزش‌افزوده‌ی اقتصادی و توزیع درآمد و ثروت؛ رقابت‌پذیری پایدار رقابتی است که نه فقط به افزایش بهره‌وری بلکه به توزیع ثروت و درآمد ناشی از بهره‌وری نیز توجه داشته باشد؛ (۲) در برداشتن بحث کیفیت (کیفیت زندگی، کیفیت کالا و خدمات، کیفیت نیروی انسانی و...)، پایداری و یکپارچگی و در نتیجه تفاوت با بحث رشد و عملکرد اقتصادی صرف؛ (۳) در برداشتن یکپارچگی و جامع‌نگری از طریق توجه هم‌زمان به عوامل مربوط به واحد تحلیل اثرگذار جمعیت، فعالیت و ترتیبات فضایی؛ (۴) ارائه‌ی تعریفی درون‌دادی از رقابت‌پذیری منطقه‌ای و نه برون‌دادی؛ در واقع در تعریف ارائه شده کوشش برآن بوده تا رقابت‌پذیری نه به عنوان فقط یک

اصلی موفقیت رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران، از طریق میل به خوشه‌ای شدن، باعث دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای می‌شوند، اما شناسایی شرایط و زمینه‌های مناسب به‌کارگیری توسعه‌ی خوشه‌ای ضروری است. تجویز ابزار سیاست‌گذاری توسعه‌ی خوشه‌ای برای کلیه‌ی فعالیت‌ها و در هر شرایطی امری ناموجه است؛ از این‌رو تشخیص شرایط کارآمدی و مناسبت نظریه‌ی توسعه‌ی خوشه‌ای در افزایش رقابت‌پذیری فعالیت‌ها در دست‌ورکار پژوهش‌های دیگر نویسندگان قرار دارد؛ شرایطی که خوشه‌ها تحت آن می‌توانند در تبدیل اطلاعات به دانش موردنیاز نوآوری کمک کرده و به عنوان نهاد یادگیری و تفکر به شمار آیند. شناسایی این شرایط به تکمیل و تدقیق مدل نظری کلان به دست آمده در این پژوهش کمک خواهد کرد.

در پاسخ به پرسش «چستی رقابت‌پذیری منطقه‌ای» در ایران، بر اساس چارچوب مستخرج از پژوهش، چنان‌چه نیت ارائه‌ی تعریفی درون‌داد از رقابت‌پذیری منطقه‌ای باشد، تعریفی است که هم‌زمان به شرح زیر دربردارنده‌ی سه مولفه‌ی جمعیت، فضا و فعالیت است: «رقابت‌پذیری منطقه‌ای به توانایی از منطقه اطلاق می‌شود که از طریق دستیابی به استانداردهای فزاینده و بالای زندگی و هم‌چنین پیگیری راهکارهای افزایش کیفیت و بازاریابی مکان، جذب و نگهداشت کارآفرینان، مهاجران خلاق و نوآور و هم‌چنین مصرف‌کنندگان باکیفیت را ممکن سازد و چسبندگی و جاذبه‌ی مکان را افزایش دهد. هم‌زمان نیز از طریق بهبود ویژگی‌های رقابتی محیط کسب و کار و تدارک ترتیبات فضایی خاص برحسب تفاوت‌های فعالیتی، میزان جذابیت منطقه برای «سرمایه‌گذاران» یا «سرمایه‌پذیری» را افزایش داده و جذب و نگهداشت واحدهای فعالیتی رقابتی را ممکن سازد. این تعریف از رقابت‌پذیری هم به مولفه‌ی واحدهای فعالیتی،



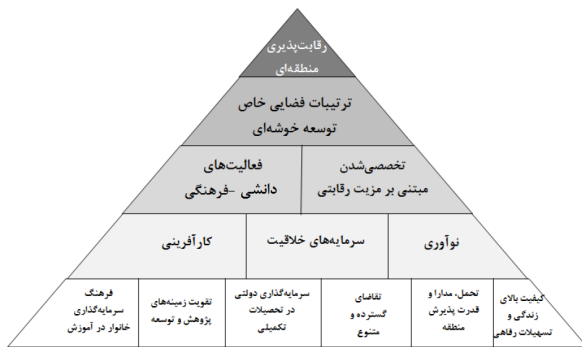
نمودار ۳- قیاس مدل ساختاری نخستین با مدل نظری نهایی و برازنده رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران.

جدول ۴- قیاس یافته‌های پژوهش در زمینه‌ی پاسخ‌گویی به پرسش چگونگی دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای با رهیافت‌های نظری مرسوم.

معیار قیاس / رویکرد رهیافت در پیشنهاد چارچوب توسعه‌ی فضای رقابت‌پذیر	رهیافت پژوهش	رهیافت مرسوم در عرصه‌های سیاست‌گذاری در زمینه‌ی رتبه‌بندی وضعیت رقابتی (بنچ‌مارک‌کردن)	رهیافت نظری معرفی‌کننده‌ی پیش‌ران‌ها و مولفه‌های موفقیت رقابت‌پذیری منطقه‌ای	رهیافت‌های معرفی‌کننده‌ی ترتیبات، ابزارها و سیاست‌گذاری‌های فضایی ویژه (جغرافیای رقابت‌پذیری)
یکپارچگی، جامعیت و دربرگیرندگی	• در برگیرنده‌ی هم‌زمان مولفه‌های جمعیت، فعالیت و فضا • دربرگیرنده‌ی بحث‌های مربوط به رشد و توسعه‌ی اقتصادی	توجه یک‌سویه‌نگر به مولفه‌ی فعالیت از طریق در نظر گرفتن رقابت‌پذیری معادل «افزایش توانایی کشورها در خلق و نگهداشت محیط کسب و کار مناسب رقابت‌پذیری بنگاه‌ها»	تاکید یک‌سویه‌نگر بر یکی از پیش‌ران‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای	بدون مصداق
توجه به بستر و ویژگی‌های زمینه‌ای کشور در تدوین مدل به دلیل امکان ناپذیری تولید یک کاربست واحد، قطعی و فراگیر	استفاده از روش‌های استقرایی (تدوین مدل برآمده از داده‌های تجربی گردآوری شده در بستر مورد بررسی)	ارائه‌ی مدل‌های رتبه‌بندی تعمیم‌پذیر	ارائه‌ی مدل‌های تعمیم‌پذیر و پیروی بی‌چون و چرای سایر کشورها از پیش‌ران‌های معرفی شده	تجویز خوشه‌ها به عنوان ابزار سیاست‌گذاری تعمیم‌پذیر برای کلیه کشورها
در نظر گرفتن اثرات مستقیم و غیرمستقیم پیش‌ران‌ها بر یک‌دیگر	• رفع هم‌خطی‌های و هم‌پوشانی‌ها به روش تحلیل مسیر • شناسایی متغیر میانجی‌گر	بی‌توجهی به هم‌خطی‌ها و جمع‌کلیه‌ی شاخص‌هایی توجه به هم‌پوشانی‌ها و هم‌خطی‌ها	بدون مصداق	بدون مصداق
یکسان فرض نکردن اهمیت پیش‌ران‌های شناسایی شده در مدل‌های معرفی شده	تعیین ضریب اهمیت اثرگذاری متغیرهای شناسایی شده بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای در تجویز مدل عام سیاست‌گذاری	فرض ضریب اهمیت مساوی برای کلیه‌ی پیش‌ران‌ها در کلیه‌ی بسترها	بدون مصداق	بدون مصداق
توجه به یکسان نبودن اثرگذاری ابزارهای سیاست‌گذاری فضایی کلیه‌ی فعالیت‌ها در کلیه‌ی بسترها	استفاده از ممیزی اجتماعی در شناسایی تفاوت‌های فعالیتی	بدون مصداق	بدون مصداق	در معدود دیدگاه‌های نظری موجود به این موضوع توجه شده لیکن اثبات آن در دستور کار قرار نگرفته است.
توجه به عوامل اجتماعی و کیفی به عنوان عامل مهم دیگر به جز عوامل فضایی در ایجاد رقابت‌پذیری	در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی در شناسایی شرایط اثرگذاری الگوهای توسعه‌ی فضایی	بی‌توجهی به دلیل امکان ناپذیری ممیزی اجتماعی در این سطح و شیوه‌ی پژوهش	در برخی از دیدگاه‌های نظری به این موضوع توجه شده است.	در معدود دیدگاه‌های نظری موجود به این موضوع توجه شده لیکن اثبات آن با ممیزی اجتماعی در دستور کار قرار نگرفته است.
برابر فرض نکردن رقابت‌پذیری با بهره‌وری یا رشد اقتصادی صرف	توجه هم‌زمان به مسائل مربوط به افزایش ارزش افزوده و توزیع آن	در برخی موارد و دیدگاه‌ها تنها رقابت‌پذیری معادل بهره‌وری دانسته شده است.		
در نظر گرفتن رقابت‌پذیری به عنوان یک رابطه‌ی برد-برد با اهداف درون‌زا	کنار گذاشتن پیش‌ران‌های متناسب با تعریف برد-بخت از رقابت‌پذیری	در اکثر موارد به ویژه در سطح ملی رقابت‌پذیری به صورت رابطه‌ی برد-بخت دیده شده است.	بدون مصداق	بدون مصداق

منطقه و در نظر گرفتن رقابت‌پذیری به عنوان رابطه‌ی برد-برد با توجه به سطح پژوهش؛ در اکثر مدل‌های مرسوم رتبه‌بندی، رقابت‌پذیری مناطق، حتی درون یک کشور، با اهدافی برون‌زا پیگیری شده است. حال آن‌که پژوهش پیش‌رو، آن‌چنان‌که در تعریف رقابت‌پذیری منطقه‌ای نیز به آن پرداخت، با اهدافی درون‌زا در پی پیشنهاد چارچوب‌های رقابت‌پذیری برآمده است. علاوه بر تفاوتی که تعریف مستخرج از پژوهش پیش‌رو از رقابت‌پذیری منطقه‌ای با سایر تعاریف موجود در این زمینه دارد، رهیافت پژوهش در زمینه‌ی پاسخ‌گویی به پرسش چگونگی دستیابی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای نیز از برخی

برون‌داد شامل افزایش بهره‌وری و اشتغال، بلکه به صورت مجموعه‌ای از عوامل درون‌دادی دیده شود. گرچه مجدداً لازم به یادآوری است که در این پژوهش تنها عوامل درون‌دادی میانجی و واسطه‌وار شده و عوامل زیرساختی مربوط به بستر مانند وضعیت و ظرفیت‌های نهادی، شرایط اقتصاد کلان و هم‌چنین مباحث مربوط به اقتصاد خرد و راهبردهای بنگاه، که خارج از حیطه‌ی مطالعات پژوهش پیش‌روست، کنار گذاشته شده‌اند. (۵) تفاوت با بحث «رقابت‌پذیری معادل بهره‌وری» پورتر، از این نظر که به مباحث توزیعی توجه داشته، و تنها به تولید ثروت توجه ندارد. (۶) برخورداری از نگاهی درون‌زا به



نمودار ۴- هرم نظری کلان رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان‌ها در ایران- پیشنهادی پژوهش.

رقابت‌پذیری منطقه‌ای با در نظر گرفتن ابعاد و مولفه‌های مختلف
 اثرگذار معرفی شده در چشم‌اندازهای نظری مختلف و هم‌چنین در برداشتن هم‌زمان مباحث مربوط به رشد و توسعه‌ی اقتصادی؛
• پیشنهاد رویکرد روش‌شناسانه‌ی نوین در زمینه‌ی برخورد با چگونگی عملیاتی‌سازی انگاشت رقابت‌پذیری منطقه‌ای از طریق پذیرش رویکردی استقرایی، با توجه به امکان‌ناپذیری تولید یک کاربست واحد، قطعی و فراگیر برای کلیه‌ی بسترها، در نظر گرفتن تفاوت شدت و میزان اثرگذاری هر یک از پیش‌ران‌ها بر رقابت‌پذیری منطقه‌ای و توجه هم‌زمان به عوامل درون‌دادی و برون‌دادی از طریق ترسیم روابط آنها در قالب نمودار مسیر؛

جهات با سایر هیافت‌های مرسوم تفاوت دارد. این موارد در جدول ۴ خلاصه شده است.

با تمام تفاسیر پیش‌گفته، برون‌داد پژوهش پیش‌رو منجر به ارتقای گفتمان‌های موجود آکادمیک و سیاست‌گذاری عمومی در زمینه‌ی موارد زیر خواهد شد:

• افزودن مورد کشورهای در حال توسعه به اساس و تشکیلات نظری و تجربی رقابت‌پذیری منطقه‌ای، که پیش از این عموماً تنها در بستر کشورهای آمریکای شمالی و اروپا تعریف، تدوین و آزمون شده‌اند. احتمال مناسب و صحت به‌کارگیری یافته‌های کشورهای توسعه‌یافته در متن و زمینه‌ی منطقه‌های نوظهور بسیار اندک است. بنابراین این پژوهش دلالت‌هایی برای تسهیل رقابت‌پذیری منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه فراهم آورده است.

• افزودن به چارچوب‌های نظری رقابت‌پذیری با تمرکز بر سطح منطقه؛ پژوهشگران بسیاری بر این باورند که دستیابی به درک بهتر از پیش‌ران‌های اصلی رقابت‌پذیری در مقیاس‌های کوچک‌تر مانند منطقه هم‌چنان مستلزم انجام پژوهش‌های بیشتری است. این مسئله با آشکار شدن اهمیت منطقه، به عنوان مهم‌ترین واحد فضایی که فرآیندهای توسعه درون آن منجر به افزایش رقابت‌پذیری قلمرویی می‌شود، بیش از پیش مورد تأکید است.
• کوشش در راستای ارائه‌ی تعریفی جامع و یکپارچه از

پی‌نوشت‌ها

29 Neo-Schumpeterian Theories.

30 New Growth Theory.

31 Endogenous Growth Theory.

32 Edward Glaeser.

33 Robert Lucas.

34 External Human Capital.

35 skilled City.

36 Creative Capital.

37 Gunnar Tornqvist.

38 Lund.

39 Philippe Aydalot.

40 Cognitive-Cultural Industries.

41 Path-Dependent Growth Trajectories.

42 Niche-Marketing.

43 Consumer City.

44 Economic Localization.

45 Knowledge Spillover.

46 Invest ability.

47 Endogenous Latent Variable .

48 Lag Structure.

49 Toleran

1 Competitive Advantage.

2 Comparative Advantage.

3 Heckscher and Ohlin.

4 Local Milieu.

5 Models of co-Operation.

6 the Mercantilist.

7 Trade as a Global Struggle or War (Krugman P. , 1994).

8 Rivalry .

9 Monopolies or Oligopolies .

10 Zero-Sum Game.

11 Sticky Place.

12 Governmental Competitiveness Policy Council.

13 European Competitiveness Report.

14 World Economic Forum.

15 The Council on Competitiveness.

16 the Institute for Strategy and Competitiveness.

17 Global Competitiveness Report.

18 World Competitiveness Yearbook.

19 International Management Development.

20 European Competitiveness Council.

21 Economic Intelligence Unit.

22 United Kingdom Competitiveness Index.

23 Global Power City Index.

24 Global Cities Index and Emerging Cities Outlook.

25 Neo-Classic Theories.

26 New Economic Geography (NEG).

27 Cluster-based Approach.

28 Evolutionary Theories.

فهرست منابع

Asheim, B; Cooke, P & Martin, R (2006), the rRise of the cluster concept in regional analysis and policy A critical assessment, In B. Asheim, P. Cooke, & R. Martin, *Clusters and Regional Development, Critical reflections and explorations* (pp. 1-30), Routledge, Oxon.

- Lever, W. F (1999), Competitive Cities in Europe, *Urban Studies*, 36, 1029 – 1044.
- Lucas, R (1988), on the Mechanics of Economic Development, *Journal of Monetary Economics*, 22, 1 – 42.
- Malecki, E (2002), Hard and Soft Networks for Urban Competitiveness, *Urban Studies*, 39 (5–6), 929–945.
- Malecki, E. J (2004), Jockeying for Position: What It Means and Why It Matters to Regional Development Policy When Places Compete, *Regional Studies*, 38 (9), 1101–1120.
- Morgan, K (1997), the Learning region: institutions, innovations and regional, *Renewal, Regional Studies*, 31 (5), 491–503.
- Morgan, K (2001), the Exaggerated Death of Geography: Localized Learning, Innovation and Uneven Development, *the Future of Innovation Studies Conference*, Eindhoven University of Technology: Eindhoven Centre for Innovation Studies.
- Porter, M. E (1990), The competitive advantage of nations, *Harvard Business Review*, 74–91.
- Porter, M (1998a), Cluster and the new economics of competition, *Harvard Business Review*.
- Porter, M (1998b), *On Competition*, Harvard Business School Press, Boston.
- Porter, M. E (2000), Chapter 13, Locations, Clusters, and Company Strategy, In G. L. Clark, M. P. Feldman, & M. S. Gertler, *location and Innovation: The New Economic Geography of Innovation, Spillovers, and Agglomeration* (pp. 275–253), Oxford University Press, New York.
- Porter, M.E (2003), the Economic performance of regions, *Regional Studies*, 37 (6&7), 549–578.
- Porter, M (2004), Building the Microeconomic Foundations of Prosperity: Findings from the Business Competitiveness Index, In WEF, *Global Competitiveness Report 2003–04*. World Economic Forum.
- Porter, M. E (2008), The five competitive forces, In M. E. Porter, *On competition, updated and expanded edition* (Vol. 11, pp. 37–73), United State of America: Harvard Business School Publishing Corporation, Boston.
- Romer, P (1990), Endogenous Technological Change, *Journal of Political Economy*, 98 (5), S71 – S102.
- Scott, J. A (2007), *Development on the Ground: Clusters, Networks, and Regions in Emerging Economies*, Routledge, London.
- Scott, J. A (2011), *Social Economy of the Metropolis: Cognitive-Cultural Capitalism and the Global Resurgence of Cities*, Oxford University Press, Oxford.
- Simmie, J (2006), Do clusters or innovation systems drive competitiveness? In B. Asheim, P. Cooke, & R. Martin, *Clusters and Regional Development: Critical reflections and explorations* (pp. 164–189), Routledge, Oxon.
- Storper, M (1997), *The Regional World: Territorial Development in a Global Economy*, Guilford Press, New York.
- Thurow, L (1992), *Head to head: the coming economic battle among Japan, Europe and America*, NY: Morrow, New York.
- Turok, I (2004), Cities, Regions and Competitiveness, *Regional Studies*, 38 (9), 1069–1083.
- Ullman, E (1958), *Regional Development and the Geography of Concentration*, The Regional Science Association (pp. 179–98). 5: the Regional Science Association.
- Wyly, E (2013), Emerging Cities of the Third Wave' Revisited: Part One The city of cognitive-cultural capitalism, *City: analysis of urban trends, culture, theory, policy, action*, 17 (3).
- Audretsch, D & Feldman, M (2003), *Knowledge Spillovers and the Geography of Innovation*. In ?, Handbook of Urban and Regional Economics (p.?).?:?.
- Boschma, R (2004), Competitiveness of Regions from an Evolutionary Perspective, *Regional Studies*, 38 (9), 1001–1014.
- Bristow, G (2005), Everyone's a 'winner': problematising the discourse of regional competitiveness, *Journal of Economic Geography*, 285–304.
- Budd, L & Hirmis, A (2004), Conceptual Framework for Regional Competitiveness, *Regional Studies*, 38 (9), 1015–1028.
- Camagni, R (2002), on the Concept of Territorial Competitiveness: Sound or Misleading? *Urban Studies*, 39 (13), 2395–2411.
- Camagni, R & Capello, R (2013), Regional Competitiveness and Territorial Capital: A Conceptual Approach and Empirical Evidence from the European Union, *Regional Studies*, 47 (9), 1383–1402.
- Capello, R (1999), Spatial transfer of knowledge in high-technology milieu: learning vs collective learning processes, *Regional Studies*, 353–365.
- Currid, Elizabeth; Williams, Sarah (2010), the Geography of buzz: art, culture and the social milieu in Los Angeles and New York, *Journal of Economic Geography*, 10 (3), 423–451.
- EC (1999), *Sixth Periodic Report on the Social and Economic Situation and Development of Regions in the European Union*, European Commission, Luxembourg.
- EC (2008), *European Competitiveness Report*, European Commission, Brussels.
- Feldman, M & Francis, J (2006), Entrepreneurs as agents in the formation of industrial clusters, In B. Asheim, P. Cooke, & R. Martin, *Clusters and Regional Development: Critical reflections and explorations* (pp. 115–137, Routledge), Oxon.
- Florida, R (1995), *Toward the learning region*, *Futures*, 27 (5), 527–536.
- Florida, R (2003), *Cities and the creative class*, *City and Community*, 2 (1), ?.
- Florida, R (2005), *Cities and the creative class*, Routledge, Oxon.
- Glaeser, E; Kolko, J & Saiz, A (2000), Consumer City, *Working paper 7790*, National Bureau of Economic Research, Massachusetts.
- Hall, P (2000), Creative Cities and Economic Development, *Urban Studies*, 37 (4), 639–649.
- Kitson, M; Martin, R & Tyler, P (2004), Regional Competitiveness: An Elusive yet Key Concept?, *Regional Studies*, 38 (9), 991–999.
- Kresl, P & Singh, B (2012), Urban Competitiveness and US Metropolitan Centers, *Urban Studies*, 49 (2), 239–254.
- Krugman, P (1994), Competitiveness: A Dangerous Obsession, *Foreign Affairs*, 73 (2), 28–44.
- Krugman, P. R (1996), Making sense of the competitiveness debate, *Oxford Review Of Economic Policy*, 12 (3), 17–25.
- Krugman, P (2003), *Growth on the periphery: Second wind for industrial regions?*, Fraser Allander Institute, Glasgow, UK.
- Krugman, P (2005), Second winds for industrial regions? In D. Coyle, W. Alexander, & B. Ashcroft, *New Wealth for Old Nations: Scotland's Economic Prospects* (pp. 35–47), Princeton University Press, Princeton.
- Lengyel, I (2006), An Attempt for the Measurement of Regional Competitiveness in Hungary, Enlargement, *Southern Europe and the Mediterranean* (p.?). Volos: European Regional Science Association.
- Lengyel, I (2009), Bottom-up Regional Economic Development: Competition, Competitiveness and Clusters, In Z. Bajmócy, I. Lengyel, & (eds), *Regional Competitiveness, Innovation and Environment* (pp. 13–38, JATE Press), Szeged.